



سلسله کتابها  
دوره آموزش پایه  
ویژه خدام

# معارف خدمت

سلسله کتابها  
دوره آموزش پایه  
ویژه خدام  
مجله آموزشی مساجد و مراکز اسلامی  
شماره اول سال اول  
پایه اول



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سلسله کتاب‌ها  
دوره آموزش پایه  
ویژه خاندان

## معارف خدمت

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد  
انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷  
مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه  
جنوبی، نبش کوچه عطار د. پلاک ۵.  
کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹  
تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷  
[www.masjed.ir](http://www.masjed.ir)



## فهرست

مسجد در آینه روایات	۹
مسجد در آینه فرمایشات امام خمینی <small>رحمته</small> و مقام معظم رهبری	۳۱
خادم مسجد و جایگاه او در آیات و روایات	۵۷
چهار صدغزوه با پیامبر، اخلاص؛ عامل قبولی اعمال	۶۷
قرآن و قلب خادمان	۷۳
قوی و قدر تمندا	۷۹
خدمت گزاران زنده	۸۵
به جای صاحب خانه!	۹۱
ما خادمان مساجدیم!	۹۹
قطب نمای مسیر	۱۰۵
مسجد، خانه انقلاب است	۱۱۱
همراهی خدایی	۱۲۱









## دیباچه

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت مادرست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»<sup>۱</sup>

در تمام این سالها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز (ره) که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد

که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد»<sup>۱</sup> محسوب می‌شود، در حوزه‌های مطالعاتی، برنامه‌ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست‌اندرکاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم.

امید است ضمن مطالعه و بهره‌مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد»<sup>۲</sup>.

## مرکز رسیدگی به امور مساجد

.....  
۱: ابلاغیه‌ی رهبر معظم انقلاب به آیت‌الله مهدوی‌کنی برای تاسیس مرکز

۲: رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۰/۷/۱۹

« مسجد در آینه روایات



## « آباد کردن مسجد

۱. امام باقر (علیه السلام) از پدران بزرگوارش (علیهم السلام) نقل می کند که فرمود: خداوند متعال هنگامی که می خواهد زمینیان را به عذابی گرفتار کند می فرماید: اگر نبودند در میان شما کسانی که به من عشق و محبت می ورزیدند و مساجد را آباد می ساختند و در سحر گاهان به استغفار می پرداختند، عذابم را بر شما فرو می فرستادم.<sup>۱</sup>

۲. امام رضا (علیه السلام) (به سه سبب) از پدرانش نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: مروت (جوان مردی) را شش نشانه است که سه نشانه آن متعلق به وطن است و سه تا در سفر؛ اما آن سه که متعلق به وطن است عبارتند از: تلاوت قرآن خدا، آباد کردن مساجد خداوند و اختیار کردن برادران دینی و آنها که متعلق به سفر است، عبارتند از: بخشش توشه، اخلاق نیکو

۱. حدیثی جعفر بن محمد عن آبائه (علیهم السلام) قال: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ قَالَ: لَوْلَا الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ فِيَّ وَيَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ لَوْلَاهُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي

و شوخی و مزاح کردن در غیر گناهان.<sup>۱</sup>

## « آثار مسجد رفتن

۱. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: انسانی که به مسجد رفت و آمد می کند، یکی از امور هشت گانه نصیب او می شود: برادری ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند، علم و دانشی نو و تازه، فهم و درک آیه ای از آیات قرآن، شنیدن سخنی که او را به هدایت رهنمون باشد، رحمتی که انتظار آن را از جانب خداوند می کشد، سخنی که او را از گمراهی و هلاکت باز دارد، ترک گناه به سبب روح خشیت و خداترسی یا به خاطر حیاء از برادران ایمانی.<sup>۲</sup>

۲. نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس قرآن سخن او و مسجد خانه او باشد، خداوند متعال برایش خانه ای در بهشت بنا می کند.<sup>۳</sup>

## « آراستگی برای مسجد

۱. امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه «زینت خود را به هنگام مسجد رفتن بر گیرید» فرمود: مقصود لباس [خوب و تمیز] است.<sup>۴</sup>

۱. حدثناعلی بن موسی الرضا (علیه السلام) قال: حدثنی رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال: ستته من المروءة ثلاثه منها فی الحضر وثلاثه منها فی السفر فأما التي فی الحضر فتلاوة کتاب الله عز وجل و عمارة مساجد الله واتخاذ الإخوان فی الله وأما التي فی السفر فبذل الرأد وحسن الخلق والمزاح فی غیر المعاصی.

۲. علی بن ابی طالب (علیه السلام) قال: من اختلف الی المسجد أصاب إحدى الثمان: أخاصمتفادا فی الله أو علما مستطرفا، أو آیه محکمة أو سمع [یسمع] کلمة تدله علی هدی أو رحمة منتظرة، أو کلمة تردده عن ردی أو ینترک ذنبا خشیه أو حیاء.

۳. قال النبی (صلی الله علیه و آله) من کان القرآن حدیثه والمسجد بیته بنی الله له بیتا فی الجنة.

۴. عن ابی الحسن الرضا (علیه السلام) فی قول الله عز وجل «خذوا زینتکم عند کل مسجد» قال: هی الثیاب.

۲. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤال از معنای آیه: «زینت خود را هنگام مسجد رفتن بر گیرید» فرمودند: مقصود شانه زدن موهای سر و صورت پس از هر نماز واجب و مستحب است.<sup>۱</sup>

## «آموزش در مسجد»

۱. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روزی بیرون آمدند و در مسجد دو مجلس را مشاهده کردند، یک مجلس مشغول تعلیم و یادگیری بودند و یک مجلس خدای تعالی را می خواندند و عبادت می کردند. پس فرمود: هر دو مجلس عمل خیر انجام می دهند، آنان خدا را می خوانند و اینان دانش فرا می گیرند و به دیگران می آموزند. این گروه با فضیلت تر است. من به یاد دادن و تعلیم مبعوث شده ام، سپس با همان گروه نشستند.<sup>۲</sup>

۲. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر کس در بامدادان به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را یاد بگیرد یا به دیگری یاد بدهد اجر به جای آورنده عمره کامل را دارد و کسی که در شب به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را فرا بگیرد یا به دیگری بیاموزد پاداش یک حج کامل را دارد.<sup>۳</sup>

۱. عن أبي بصير عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سألته «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» قَالَ: هُوَ الْمَشْطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ.

۲. وَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَادَّافَى الْمَسْجِدَ مَجْلِسَانِ، مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ تَعَالَى وَ يَسْأَلُونَهُ فَقَالَ كَلَّا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَى خَيْرٍ هُوَ لَأَفِيدَعُونَ اللَّهَ وَ أُمَّهُوَلَاءُ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يَفْقَهُونَ الْجَاهِلُ هُوَ لَأَفْضَلُ بِالتَّعْلِيمِ أَرْسَلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ.

۳. عن النبي (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ كَانَ لَهُ أَجْرٌ مُعْتَمِرٍ تَامَ الْعُمْرَةَ وَ مَنْ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ فَلَهُ أَجْرٌ حَاجٍّ تَامَ الْحَجَّهِ.

## « احترام مساجد »

۱. ابوبصیر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) از دلیل تعظیم و بزرگداشت مساجد پرسیدم؟ امام (علیه السلام) در جواب فرمودند: دستور به تعظیم مساجد برای این است که آنها خانه های خدا در روی زمین هستند.<sup>۱</sup>

۲. کلیب صیداوی از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود: در تورات نوشته شده است که خانه های من (خدا) در زمین مساجد هستند پس خوش به حال کسی که در خانه اش تطهیر کند (وضو بگیرد) و مراد خانه ام زیارت کند و حق زیارت شونده این است که زائر خود را اکرام و احترام کند.<sup>۲</sup>

## « اذان مسجد »

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: طول دیوار مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به اندازه قامت یک انسان بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در هنگام اذان به بلال می فرمود: ای بلال! بالای دیوار برو و صدایت را به گفتن اذان بلند کن، همانا خداوند بادی را مأمور کرده است تا اذان را به آسمان ها ببرد و همانا ملائکه الهی هنگامی که صدای اذان را از زمینیان می شنوند، می گویند، این صدای امت محمد (صلی الله علیه و آله) به یگانگی خداوند عزوجل است و استغفار و طلب آمرزش برای امت محمد (صلی الله علیه و آله) می کنند تا هنگامی که از آن نماز فارغ می شوند.<sup>۳</sup>

۱. عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن العلة في تعظيم المساجد؟ فقال: إنما أمر بتعظيم المساجد لأنها بيوت الله في الأرض.  
۲. عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: مكتوب في التوراه أن بيوتى في الأرض المساجد فطوبى لمن تطهر في بيته ثم زارنى في بيته وحق المزور أن يكرم الزائر.  
۳. عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان طول حائط مسجد رسول الله (صلى الله عليه وآله) قائمه فكان يقول لبلال إذا دخل الوقت يا بلال اغل فوق الجدار وازفع صوتك بالأذان فإن الله قد وكل بالأذان ريحاً ترفعه إلى السماء وإن الملائكة إذا سمعوا الأذان من أهل الأرض قالوا هذه أصوات أمه محمد (صلى الله عليه وآله) يتوحيد الله عز وجل ويستغفرون لأمه محمد (صلى الله عليه وآله) حتى يفرغوا من تلك الصلاة.



## « استراحت در مسجد

سکونی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: استراحت کردن در مسجد رهبانیت عرب است. همانا مؤمن مجلس (عبادتش) مسجد و استراحتگاه او خانه اوست.<sup>۱</sup>

## « اعتکاف در مسجد

امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه آخر (ماه مبارک رمضان) در مسجد معتکف می شدند. برای آن حضرت خیمه ای که از مو بافته شده بود در مسجد برپا می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله مهیای اعتکاف می شدند و بستر خویش را جمع می کردند. برخی گفته اند از زنان هم کناره گیری می کردند ولی امام صادق علیه السلام آن را تکذیب کردند.<sup>۲</sup>

## « اولین مسجد

شنیدم ابوذر می فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم: اولین مسجدی که در زمین بنا شد کدام بود؟ فرمود: مسجد الحرام. عرض کردم: پس از آن چه؟ فرمودند: مسجد الأقصی. پرسیدم: فاصله زمانی این دو چقدر است؟ فرمودند: چهل سال.<sup>۳</sup>

## « اهل مسجد

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: هیچ چیزی نیست مگر اینکه انتهایبی دارد مگر ذکر، سپس فرمود: مردی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و گفت:

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الاتكأ في المسجد رهبانية العرب، إن المؤمن مجلسه مسجدُهُ وصومعته بيته.

۲. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا كان العشر الأخير اعتكف في المسجد و ضربت له قبة من شعر و سمر المئزر و طوى فراشه و قال بعضهم و اعتزل النساء فقال أبو عبد الله عليه السلام: أما اعتزال النساء فلا.

۳. سمعت أبا ذر رضي الله عنه قال: قلت: يا رسول الله أي مسجد وضع في الأرض أول؟ قال: المسجد الحرام، قال: قلت ثم؟ قال: المسجد الأقصی. قلت: كم كان بينهما قال: أربعون سنة....

بهترین اهل مسجد چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: کسانی که بیشترین ذکر را برای خدا بگویند.<sup>۱</sup>

## « بهترین و بدترین مکان‌ها در زمین

امام علی علیه السلام می‌فرماید: مردی از قبیله بنی عامر به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و سؤال کردند از بدترین و بهترین مکان‌ها در روی زمین؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمودند: بدترین مکان‌ها بازارها هستند، و بهترین مکان‌ها مساجدند، و محبوب‌ترین بندگان در نزد خداوند عزوجل کسانی هستند که؛ زودتر از همه داخل مسجد شوند و دیرتر از همه خارج گردند.<sup>۲</sup>

## « پناه بردن به مسجد

۱. مرحوم طبرسی در ذیل آیه شریفه ۱۰۰ از سوره بقره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: چه چیزی شما را منع می‌کند از اینکه هرگاه ناراحتی و سختی از ناراحتی‌ها و غم‌های دنیا به سوی شما آمد، وضو بگیرد و داخل مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند و در نمازش از خداوند کمک بطلبد. مگر نشنیده‌اید که خداوند می‌فرماید: و کمک بگیرد به وسیله صبر و نماز (از خداوند).<sup>۳</sup>

۲. امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند که فرمودند: زلزله و خورشید

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما من شيء إلا وله حد ينتهي إليه إلا الذكر... ثم قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: من خير أهل المسجد؟ فقال: أكثرهم لله ذكرا.

۲. قال أمير المؤمنين عليه السلام جاء أعرابي من بني عامر إلى النبي صلى الله عليه وآله فسأله في حديث عن شربقاع الأرض وخير بقاع الأرض؟ فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: شربقاع الأرض الأسواق... وخير البقاع المساجد وأحبهم إلى الله عز وجل أولهم دخولا وأخرهم خروجها.

۳. عن الصادق عليه السلام قال: ما يمتنع أحدكم إذا دخل عليه غم من غموم الدنيا أن يتوضأ ثم يدخل المسجد فيركع ركعتين يدعوا لله فيهما، أما سمعت الله يقول: واستعينوا بالصبر والصلاة.

گرفتگی و ماه گرفتگی و بادهای ترسناک همگی از نشانه‌های روز قیامت است، پس هر گاه یکی از این‌ها را دیدید، روز قیامت را به یاد آورید و به مسجد‌های تان پناه ببرید.<sup>۱</sup>

## « پیاده رفتن به مسجد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که به سوی مسجد گام برمی‌دارد بر هیچ‌ترو خشکی پانمی‌گذارد مگر اینکه از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می‌کنند.<sup>۲</sup>

## « ترک مسجد

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برخی از مردم در آمدن به مسجد و شرکت در نماز کوتاهی می‌کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نزدیک است دستور دهیم خانه‌های چنین افرادی را با آتش بر سرشان بسوزانند.<sup>۳</sup>

۲. به امیرالمؤمنین علیه السلام خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی‌شوند، حضرت برای مردم سخنرانی کرد، و در ضمن آن فرمودند: گروهی برای نماز خواندن با مادر مساجد حاضر نمی‌شوند، اینان حق ندارند با ما بخورند و بیاشامند و مشورت کنند و با ما از دواج کنند، و نیز حق ندارند از بیت‌المال مسلمین استفاده کنند مگر اینکه در نماز جماعت ما

۱. عن الصادق علیه السلام عن أبيه علیه السلام قال: إن الرّزّل والکسوفین والرّیاح الهائلة من علامات الساعة فإذا رأيتم شيئا من ذلك فتذكروا قيام القيامة وأفرعوا إلى مساجدكم.

۲. عن أبي عبد الله علیه السلام قال: من مشى إلى المسجد لم يضع رجلا على رطب ولا يابس إلا سبخت له الأرض إلى الأرض السابعة.

۳. عن أبي عبد الله علیه السلام قال: سمعته يقول: إن أناسا كانوا على عهد رسول الله صلی الله علیه و آله أبطأوا عن الصلاة في المسجد! فقال رسول الله صلی الله علیه و آله ليوشك قوم يدعون الصلاة في المسجد أن تأمر بحطب فيوضع على أبوابهم فتوقد عليهم نار فتحرق عليهم بيوتهم.

حاضر شوند. نزدیک است که اگر آنها از کار خود دست بردارند فرمان دهم خانه‌های آنان را با آتش بسوزانند. آنگاه امام صادق (علیه السلام) فرمود: مسلمانان از خوردن و آشامیدن و از دواج با آنان خودداری نمودند تا اینکه آنان در نماز جماعت مسلمین حاضر شدند.<sup>۱</sup>

۳. رزیک گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: کسی که در خانه‌اش نماز جماعت بگذارد، تا از شرکت در جماعت مسجد خودداری کند، نماز او و کسانی که با او نماز می‌گذارند مورد قبول نیست مگر اینکه دلیل موجهی بر ترک مسجد داشته باشند.<sup>۲</sup>

۴. امام حسن (علیه السلام) فرمودند: غفلت آن است که مسجد را فراموش کنی.<sup>۳</sup>

۵. امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می‌کند که فرمود: نماز کسی که با مسلمانان در مسجد نماز نخواند درست نیست [کامل نیست] مگر از روی دلیل، و کسی که در خانه‌اش نماز بخواند و از جماعت ما دوری کند غیبتش ناروان باشد و کسی که از جماعت مسلمانان روی گرداند، عدالتش ساقط؛ و دوری از او واجب است و اگر او را نزد پیشوای مسلمین ببرند، باید بيمش دهد و بر حذرش بدارد. پس اگر در جماعت مسلمین حاضر نشد، خانه‌اش را بر سرش بسوزانند، و کسی که به جماعت مسلمانان بپیوندد

۱. عن أبي عبد الله (عليه السلام): أن أمير المؤمنين (عليه السلام) بلغه أن قومًا لا يحضرون الصلاة في المسجد فخطب فقال: إن قومًا لا يحضرون الصلاة معنا في مساجدنا فلا يؤاكلونا ولا يشاربونا ولا يشاورونا ولا يتأخروننا ولا يأخذوا من فيئنا شيئًا، أو يحضروا معنا صلاتنا جماعةً وأني لأوشك أن أمر لهم بنار تشعل في دورهم فأحرقها عليهم أو ينتهون، قال: فامتنع المسلمون عن مؤاكلتهم ومشاربتهم ومناجحتهم حتى حضر والجماعة مع المسلمين.

۲. عن رزقي قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: من صلى في بيته جماعةً رغبه عن المسجد فلا صلاة له ولا لمن صلى معه إلا من عليه تمنع من المسجد.

۳. قال مولانا الحسن (عليه السلام): الغفلة ترك المسجد.

غیبتش حرام و عدالتش ثابت می باشد.<sup>۱</sup>

## « جارو کردن مسجد

۱. امام صادق علیه السلام از پدرانش و آنان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمودند که: هر کس مسجدی را جارو و خاک‌روبی نماید، خداوند پاداش آزاد کردن بنده‌ای را برایش می‌نویسد، و اگر از این مسجد به مقدار خاشاکی که در چشم می‌رود، گرد و غبار خارج نماید، خداوند رحمت خویش را دو برابر به او عطاء می‌فرماید.<sup>۲</sup>

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که خانه خدا را در روز پنج‌شنبه و شب جمعه خاک‌روبی کند و به اندازه غباری که در چشم می‌رود، از مسجد خاک بگیرد، خداوند او را مورد آمرزش خود قرار می‌دهد.<sup>۳</sup>

## « خارج شدن از مسجد

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس صدای اذان را در مسجد بشنود و بدون عذر و دلیل از مسجد خارج شود، منافق است، مگر اینکه قصد برگشت به مسجد را داشته باشد.<sup>۴</sup>

۱. عن الصادق علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا صلاة لمن لا یصلی فی المسجد مع المسلمین الا من علیه ولا غیبة الا لمن صلی فی بینه و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعه المسلمین و حب علی المسلمین غیبتة و سقطت بینههم عدالتة و وجب هجرانه و اذ ارفع الی امام المسلمین ائذره و حذره فان حصر جماعه المسلمین و الا اخرج علیه بینه و من لزم جماعتهم حرمت علیهم غیبتة و ثبتت عدالتة بینههم.

۲. عن الصادق علیه السلام عن ابائه علیهم السلام ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: من قم مسجدا كتب الله له عشق رقبه و من اخرج منه ما یقذی عینا كتب الله عزوجل له کفیلین من رحمته.

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من کنس مسجدا یوم الخمیس لیله الجمعة فأخرج منه من التراب ما یدثر فی العین غفر له.

۴. قال التبی علیه السلام: من سمع النداء فی المسجد فخرج من غیر علیه فهو منافق، الا ان یرید الرجوع الیه.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که در مسجد نماز را خواندی و سپس دیدی نماز به جماعت اقامه می‌شود، اگر خواستی از مسجد خارج می‌شوی و اگر خواستی می‌توانی با آنان نماز بخوانی و نماز را تسبیح و ذکر خداوند قرار بده (چون یک نماز بیشتر بر تو واجب نبوده است).<sup>۱</sup>

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بیست خصلت است که فقر می‌آورد؛ یکی از آنها عجله کردن در هنگام بیرون رفتن از مسجد است.<sup>۲</sup>

۴. علامه مجلسی قدس سره نقل می‌کند که در بعضی از کتاب‌ها از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: بیست و پنج چیز موجب فقر می‌شود؛ یکی از آنها به سرعت خارج شدن از مسجد است.<sup>۳</sup>

## « خانه خدا در زمین

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مساجد خانه‌های خداوند در زمین‌اند. و برای اهل آسمان نورافشانی می‌کنند، همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین نورافشانی می‌کنند.<sup>۴</sup>

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: بر شما باد! آمدن به مساجد. که مساجدها خانه‌های خداوند بر روی زمین هستند و هر کس با وضو وارد آنها شود، خداوند او را از گناهانش پاک می‌کند و نامش را در زمره زائران خود

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا صَلَّيْتَ صَلَاةً وَأَنْتَ فِي الْمَسْجِدِ وَأَقِيمْتَ الصَّلَاةَ فَإِنَّ شَيْئًا فَآخِرُجُ وَإِنْ شِئْتَ فَصَلِّ مَعَهُمْ وَاجْعَلْهَا تَسْبِيحًا.

۲. قال النبي صلی الله علیه و آله: عَشْرُونَ خُصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ... وَتَعْجِلُ الْخُرُوجَ مِنَ الْمَسْجِدِ....

۳. و قد روى في بعض الكتب عن النبي صلی الله علیه و آله أنه قال: الْفَقْرُ خُمْسُهُ وَعَشْرُونَ شَيْئًا... وَالْخُرُوجُ مِنَ الْمَسْجِدِ سَرِيعًا.

۴. عن النبي صلی الله علیه و آله: الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَهِيَ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.

می‌نویسد، پس در آنها بسیار نماز بخوانید و دعا کنید و در مسجدهای مختلف (و مکانهای متعدد یک مسجد) نماز بگزارید که هر مکان در روز قیامت برای کسی که بر او نماز گزارده است شهادت می‌دهد.<sup>۱</sup>

۳. رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که خداوند متعال را دوست بدارد، باید مرا نیز دوست بدارد، و هر که مرا دوست می‌دارد، باید خاندان مرا نیز دوست بدارد. من در میان شما دو چیز گرانقدر، کتاب خدا و خاندانم را به جای گذاشته‌ام، هر کس که عترتم را دوست داشته باشد، باید قرآن را نیز دوست داشته باشد. دوستدار قرآن باید دوستدار مساجد هم باشد چرا که مساجد محضر و خانه‌های خداوند است، که خودش فرمان به بالایی و مبارکی آنها را داده است. مساجد، فرخنده و اهل آن نیز فرخنده‌اند، مساجد و اهل آن هر دو آراسته و محفوظ‌اند. اهل مسجد در نمازند و خداوند حاجاتشان را برطرف می‌کند، آنان در مسجدند و خداوند پشتیبان و یاور آنان است.<sup>۲</sup>

۱. عن الصادق عليه السلام أنه قال: عَلَيْكُمْ بِأَتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا يُبَوِّئُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَتَاهَا مَتَطَهَّرَ اطَّهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كَتَبَ مِنْ زُورَاهُ فَأَكْبَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ وَ صَلُّوا مِنْ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنْ كَلَّ بَقَعَهُ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيُحِبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبَّ عِزَّتِي إِنْ تَارَكَ فِيكُمْ التَّقْلِيلَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي وَمَنْ أَحَبَّ عِزَّتِي فَلْيُحِبَّ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبَّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أُنْبِيَتْهُ اللَّهُ وَأُنْبِيَتْهُ أَرْضُ فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مِيمُونَ مِيمُونَ أَهْلِهَا، مَرْبِيَّتُهُ مَرْبِيَّتُ أَهْلِهَا، مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظُ أَهْلِهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَاللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ، هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ.

## « ساختن مسجد

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: وقتی به معراج رفتم، جبرئیل (علیه السلام) به من گفت: به بهشت و جهنم فرمان داده شده که بر تو عرضه شوند، پیامبر ﷺ فرمود: بهشت و نعمت هایش و جهنم و عذاب هایش را دیدم. در بهشت هشت در است... جبرئیل به من گفت: آنچه بر روی درها نوشته شده است را بخوان، من آنها را خواندم... بر در ششم بهشت نوشته شده بود: خدایی جز پروردگار عالم نیست، محمد فرستاده خداست و علی جانشین اوست، هر کس بخواهد قبرش وسیع و گشاده باشد، باید مسجد بسازد و هر کس می خواهد، کرم ها در زیر زمین جسد او را نخورند مساجد را جارو کند و به مساکین رسیدگی نماید و هر کس دوست دارد جسمش تازه بماند، مساجد را فرش نماید و هر کس دوست دارد جایگاه خود را در بهشت ببیند در مسجدها سکنی گزیند. (بی تردید مقصود از سکنی گزیدن این نیست که مسجد محل زندگی افراد باشد، بلکه مقصود آن است که اعمال عبادی و نمازهای یومیه را در مسجد بخواند و بدون عذر مسجد را ترک نکند).<sup>۱</sup>

## « طلب حاجت در مسجد

۱. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: پدرم هر گاه می خواست حاجتی طلب کند، به هنگام زوال خورشید طلب می کرد و هر گاه آن را اراده می کرد، ابتدا صدقه می داد و مقداری عطر استفاده می کرد و سپس به

۱. و بالاسناد یرفعه الی عبدالله بن مسعود أنه قال: قال رسول الله ﷺ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِي جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ أَمَرْتُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ أَنْ تُعْرَضَ عَلَيْكَ، قَالَ: فَرَأَيْتَ الْجَنَّةَ وَمَا فِيهَا مِنَ التَّعِيمِ وَرَأَيْتَ النَّارَ وَمَا فِيهَا مِنَ الْعَذَابِ، وَالْجَنَّةَ فِيهَا، ثَمَانِيَةَ أَسْوَابٍ... فَقَالَ لِي جِبْرَائِيلُ (عليه السلام) إِنْ أَرَادَ بِأَمْحَمَدَ مَا عَلَى الْأَبْوَابِ فَقَرَأْتُ ذَلِكَ... وَ عَلَى الْبَابِ السَّادِسِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ قَبْرُهُ وَاسِعًا فَسِيحًا فَلْيَبْنِ الْمَسَاجِدَ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدِّيَادِنُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَكُنْ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَلْيَسْكُنِ الْمَسَاكِينَ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَبْقَى طَرَفًا يَنْصُرَ الْيَتِيمَ فَلْيَكُنْ مِنَ الْمَسَاجِدِ بِالْبَسِطِ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى مَوْضِعَهُ فِي الْجَنَّةِ فَلْيَسْكُنْ فِي الْمَسَاجِدِ.



مسجد می رفت و در طلب حاجتش از خداوند متعال دعا می کرد به آنچه که خدا بخواهد.<sup>۱</sup>

۲. ابی کهمس می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: مردی وارد مسجد شد و قبل از ثنای الهی و درود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز را آغاز کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: این بنده در ملاقات با خدای خود عجله کرد. سپس مردی دیگر وارد شد و خدای عزوجل را ستود و ثنا گفت و بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درود فرستاد و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای مرد، هر چه می خواهی از خدا در خواست کن تا به تو داده شود، آنگاه امام صادق (علیه السلام) افزود: در کتاب علی (علیه السلام) آمده است: همانا ثنای خدا و درود بر رسولش قبل از درخواست است و اگر یکی از شما نزد مردی بیاید تا از او حاجتی بطلبد، دوست دارد پیش از اظهار حاجتش سخنی نیکو به او بگوید.<sup>۲</sup>

## « غریبان در دنیا

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: چهار چیز در دنیا غریب هستند: قرآن در سینه ستمگر، مسجد در جمع گروهی که در آن نماز نخوانند، قرآن در خانه ای که آن را نخوانند و مردی صالح در میان مردمان بد.<sup>۳</sup>

۱. عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا رَأَى ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَ بِهِ وَشَمَّ شَيْئًا مِنْ طَيِّبٍ وَرَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَدَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ.

۲. عن ابی کهمس قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ: دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ فَابْتَدَأَ قَبْلَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله): عَاجِلُ الْعَبْدِ رَبَّهُ ثُمَّ دَخَلَ آخِرَ فَضْلِي وَأَتْنِي عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله): سَلْ نَعْطَهُ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ (علیه السلام) الثَّنَاءَ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِهِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَإِنْ أَحَدَكُمْ لِيَأْتِيَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيُحِبُّ أَنْ يَقُولَ لَهُ خَيْرًا قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَهُ.

۳. عن النبي (صلی الله علیه و آله): الْغُرَبَاءُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعَةٌ: قَرَأَنُ فِي جَوْفِ ظَلَمٍ وَمَسْجِدٌ فِي نَادَى لَأَيُّسَلَى فِيهِ وَمُصْحَفٌ فِي بَيْتٍ لَا يَقْرَأُ فِيهِ وَرَجُلٌ صَالِحٌ مَعَ قَوْمٍ سَوَاءٍ.

## « غیبت کردن در مسجد »

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که حضرت فرمود: نشستن در مسجد به انتظار برپایی نماز، عبادت است، تا زمانی که حدیثی از شخص صادر نشود، گفته شد: ای رسول خدا! مقصود از «حدث» چیست؟ فرمود: غیبت کردن.<sup>۱</sup>

## « کسب روزی و مسجد »

۱. ولید بن صبیح نقل می کند که امام صادق علیه السلام از او پرسید: ای ولید، مغازه‌ها از مسجد چقدر فاصله دارد؟ گفتیم: کنار در مسجد است؛ پس فرمود: هرگاه خواستی به مغازه‌ها بروی، ابتدا به مسجد برو و در آن دو یا چهار رکعت نماز بخوان و سپس بگو: صبح کردم به حول و قوه الهی و نه به حول و توان خودم، ای پروردگار: من بنده توام و از فضل تو درخواست می کنم همان گونه که خود فرموده‌ای، پس دسترسی به آن را آسان گردان که من در پناه لطف و عنایت تو آسایش دارم.<sup>۲</sup>

۲. مردی از اصحاب امام علیه السلام نقل می کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود: بامدادان که در پی حاجت خود می روی، آیا از مسجد اعظم که در کوفه است، گذر می کنی؟ عرض کردم: آری. فرمود: پس چهار رکعت نماز در آنجا بخوان و در نمازهایت بگو: به حول و کمک الهی صبح کردم و نه به حول و توان خودم، بلکه به حول و قوت تو ای پروردگار من! از تو برکت

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الجُوسُ في المسجدِ انتظارُ الصلاةِ عبادةٌ ما لم يُحدثْ؛ قيلَ يا رسولَ الله: وما يُحدثُ؟ قال: لا غيباتٍ.

۲. عن ابن الوليد بن صبيح عن أبيه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام يا ولیدُ أینَ حائوُتکَ مِنَ المَسْجِدِ فَقُلْتُ عَلَيَّ بَابُهُ فَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْتِيَ حائوُتکَ فابْدَأِ بِالمَسْجِدِ فَصَلِّ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعًا ثُمَّ قُلْ: عُدُوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ وَعُدُوْتُ بِحَوْلِ مَنِّي وَلا قُوَّةَ بِلِ بَحْوَلِكِ وَ قُوَّتِكِ يَا رَبِّ اللّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ التَّمِسُّ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ.

امروز را می‌طلبیم و برکت اهل این روز را [برکت همگانی برای بندگان  
در این روز]

## « نشستن در مسجد »

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: سه کس از خالصان درگاه خدا در روز  
قیامت‌اند، مردی که به مسجد رود تا نماز بخواند و انتظار نماز دیگر را  
بکشد، او مهمان خداوند است و بر خداوند است که مهمانش را اکرام  
کند.<sup>۱</sup>

۲. عثمان بن مظعون می‌گوید به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: می‌خواهم  
در مورد بعضی چیزها سؤال کنم؟ فرمودند: آنها چیست؟ عرض کردم:  
می‌خواهم رهبانیت پیشه کنم فرمودند: ای عثمان این کار را نکن، همانا  
رهبانیت امت من آن است که در مسجدها بنشینند و پس از نمازی در  
انتظار نماز دیگر باشند.<sup>۲</sup>

## « نماز تحیت مسجد »

۱. صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله ابوذر غفاری نقل می‌کند که روزی بر رسول  
خدا صلی الله علیه و آله در مسجد وارد شدم و حضرت نشسته بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله  
فرمودند: ای ابوذر! مسجد تحیتی مخصوص به خود دارد، عرض کردم

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ثلاثه من خالصه الله عز وجل يوم القيامة... ورجل دخل المسجد فصلى ثم عقب فيه  
انتظار الصلاة الأخرى فهو صيف الله عز وجل وحق على الله أن يكرم صيفه...  
۲. عن عثمان بن مظعون قال: قلت لرسول الله صلی الله علیه و آله يا رسول الله، أردت أن أسألك عن أشياء؟ فقال: وما هي  
يا عثمان؟ قال: قلت: أئسي أردت أن أتربه، قال: لا تفعل يا عثمان، فإن ترهب أمتي القعود في المساجد  
وانتظار الصلاة بعد الصلاة...

تحیت مسجد چیست؟ فرمود: اینکه دور رکعت نماز به جای آوری.<sup>۱</sup>

۲. امام علی علیه السلام می فرمود: از جمله حقوق مسجد آن است که آبه هنگام ورود به آن [دور رکعت نماز تحیت به جای آوری و ادای حق دور رکعت به آن است که مادر قرآن (سوره ی فاتحه) را در هر دور رکعت بخوانی و حق قرآن این است که به آنچه در آن آمده، عمل کنی.<sup>۲</sup>

## « نماز جماعت در مسجد

۱. امام صادق علیه السلام از پدرانش، از امام علی علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در بهشت خانه هایی هست که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش پیداست. از امت من کسانی در آنجا اقامت می گزینند که سخن به نیکی بگویند، اطعام نمایند، آشکارا سلام کنند، دائم روزه دار باشند، و در شب که مردم خوابیده اند، نماز بخوانند. امام علی علیه السلام پرسیدند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کسی از امت شما توان این امور را دارند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای علی علیه السلام آیا می دانی نیکو سخن گفتن چیست؟ آن است که انسان در صبح و شام ده مرتبه تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر بگوید و اطعام نمودن، نفقه و مخارجی است که مرد به خانواده و عیال خود می پردازد و دائم روزه دار بودن به این معناست که علاوه به روزه ماه مبارک رمضان در هر ماه سه روز را روزه بگیرد که ثواب روزه ی همیشگی برای او نوشته می شود. مراد از نماز در شب هنگامی که مردم خوابند، این

۱. عن أبي ذر قال: دخلت على رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وهو في المسجد جالس، فقال لي: يا أبا ذر، إن للمسجد تحية، قلت: وما تحيته؟ قال: ركعتان تركعهما....

۲. وعن علي علیه السلام أنه كان يقول: من حق المسجد أن تصلي فيه ركعتين ومن حق الركعتين أن تقرأ فيهما بأم القرآن ومن حق القرآن أن تعمل بما فيه.

است که هر کس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت بخواند، گویا تمام آن شب را از اول تا آخر شب زنده داری نموده است. مقصود از افشای سلام آن است، که انسان در سلام کردن بر هیچ یک از مسلمانان بخل نوزد.<sup>۱</sup>

۲. رزیک می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: نماز مرد در خانه اش به جماعت برابر با بیست و چهار نماز است و نماز جماعتش در مسجد برابر با چهل و هشت نماز، و یک رکعت نماز در مسجد الحرام با هزار رکعت نماز در مساجد دیگر برابر است و نماز فرادا در مسجد برابر با بیست و چهار نماز است.<sup>۲</sup>

۳. امام مجتبی (علیه السلام) فرمودند: گروهی از یهودیان نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند. یک نفر که عالم ترین آنها بود گفت: من درباره ده کلمه [مسأله] از تو سؤال می کنم [روایت بسیار طولانی است] پس خبر بده مرا از دهمین کلمه از هفت خصلت که خداوند از میان پیامبران به تو و از میان امت ها به امت تو بخشیده است؟ پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند متعال عطاء کرده

۱. عن الصادق (علیه السلام) عن آبائه عن علي (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): إن في الجنة عَزْفَ بِيْرِي ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْسَى السَّلَامَ وَ أَدَامَ الصِّيَامَ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ فَقَالَ عَلِيُّ (علیه السلام) يَا عَلِيُّ أَوْ مَا تَدْرِي مَا طَابَ الْكَلَامَ مَنْ قَالَ: إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى سَبَّحَانَ اللَّهَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ نَقَّهَ الرَّجُلَ عَلَى عِيَالِهِ وَ أَمَّا إِدَامَةُ الصِّيَامِ فَهُوَ أَنْ يَصُومَ الرَّجُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ يُكْتَبُ لَهُ صَوْمُ الدَّهْرِ وَ أَمَّا الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَ صَلَاةَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ وَ صَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَانَ مَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ وَ أَفْشَاءَ السَّلَامَ أَنْ لَا يَنْخَلَّ بِالسَّلَامِ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

۲. عن رزیک قال: سمعت أبا عبد الله (علیه السلام) يقول: صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي مَنْزِلِهِ جَمَاعَةً تُعَدُّ أَرْبَعًا وَعَشْرِينَ صَلَاةً وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ جَمَاعَةً فِي الْمَسْجِدِ تُعَدُّ ثَمَانِينَ وَ أَرْبَعِينَ صَلَاةً مُضَاعَفَةً فِي الْمَسْجِدِ وَإِنَّ الرُّكْعَةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَلْفَ رُكْعَةٍ فِي سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَإِنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ فَرْدًا بِأَرْبَعٍ وَعَشْرِينَ صَلَاةً....

است به من، سوره حمد، اذان و نماز جماعت در مسجد را.<sup>۱</sup>

## « واریسی کفش‌ها هنگام ورود به مسجد

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: کفش‌هایتان را در هنگام ورود به مسجد بررسی کنید (تا مبادا آلوده باشد) و از این که مردان در حال ایستاده این کار را انجام دهند نهی فرمودند.<sup>۲</sup>

۲. شیخ طبرسی در مکارم الأخلاق در ذیل آیه‌ی شریفه که می‌فرماید: «زینت خویش را به هنگام مسجد رفتن برگیرید و به همراه داشته باشید» از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که مقصود اینست که: هنگامی که به در مساجد می‌رسید، کفش‌های خود را بررسی کنید.<sup>۳</sup>

## « وضو گرفتن برای مسجد رفتن

۱. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: هر کس نیک وضو بگیرد، سپس به مسجد برود تا زمانی که حدیثی از او سرزده است در حال نماز است.<sup>۴</sup>

۲. امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: داخل مساجد نشو مگر اینکه طاهر و با وضو باشی و

۱. عن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) قال: جاء نفر من اليهودی الی رسول الله ﷺ... قال الیهودی الذی کان أعلمهم یا محمد انی اسألك عن عَشْرَ کلمات... فأخبرنی عن العاشره عن سبع خصال أعطاک الله من بین النبیین و أعطى أمتک من بین الأمم فقال النبی ﷺ: أعطانی الله عز وجل فاتحه الكتاب والأذان والجماعه فی المسجد.

۲. قال النبی ﷺ: تعاهدوا نعالکم عند أبواب مساجدکم ونهی أن یتنعل الرجل وهو قائم.

۳. الحسن الطبرسی فی (مکارم الأخلاق) عن النبی ﷺ فی قوله تعالی: خذوا زینتکم عند کل مسجد. قال: تعاهدوا نعالکم عند أبواب المسجد.

۴. عن علی (علیه السلام) من أحسن الطهور ثم مشی الی المسجد فهو فی صلاه مالم یحدث.

هر کس بدون طهارت و وضو وارد مسجد شود، پس مسجد دشمن اوست.<sup>۱</sup>

## « همسایه مسجد

۱. امام علی علیه السلام فرمود: نماز همسایگان مسجد هنگامی که برای نمازهای واجب در مسجد حاضر نمی‌شوند، نماز نیست، زمانی که سالم باشند و عذری برای عدم حضور نداشته باشند.<sup>۲</sup>

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مساجد، نسبت به آن دست از همسایگان خود که در مسجد حاضر نمی‌شوند به خداوند متعال شکایت نمودند، خداوند به مساجد وحی فرمود: به عزت و جلال خودم سوگند، یک رکعت نماز را هم از آنان قبول نخواهم کرد و در میان مردم عدالتی را از آنان آشکار نمی‌سازم. رحمت من آنان را شامل نمی‌شود و در بهشت همسایه و نزدیک به من نخواهند بود.<sup>۳</sup>

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همسایه‌ی مسجد نمازش قبول نمی‌شود مگر در مسجد.<sup>۴</sup>

۴. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: همسایه مسجد چنانچه عذر یا بیماری نداشته باشد نمازش جز در مسجد مقبول نخواهد بود. از آن حضرت علیه السلام سؤال شد: همسایه‌ی مسجد چه کسانی‌اند؟ فرمود: کسی که صدای اذان

۱. عن ابی جعفر علیه السلام قال: لا تدخل المساجد الا بالطهارة ومن دخل مسجدا بغير الطهارة فالمسجد خصمه.

۲. عن علی علیه السلام قال: لا صلاة لمن لم يشهد الصلوات المكتوبات من غير ان المسجد اذا كان فارغا صحيحا.

۳. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: شككت المساجد الى الله تعالى الذين لا يشهدونها من غير انها فاحى الله اليها وعزتي وجلالي لا قبلت لهم صلاة واحدة ولا اظهرت لهم في الناس عدالة ولا نالتهم رحمتي ولا جاوروني في جنتي.

۴. قال النبي صلی الله علیه و آله: لا صلاة لجار المسجد الا في مسجده.

رابشود.<sup>۱</sup>

۵. اَبی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: هر کس از همسایگان مسجد صدای اذان رابشود و پاسخ ندهد، نمازش نماز نیست.<sup>۲</sup>

۶. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند: نماز همسایگان مسجد نماز نیست مگر اینکه مریض باشند یا دلیل موجهی داشته باشند.<sup>۳</sup>

۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که خانه اش نزدیک مسجد است حضور در [نماز] جماعت بر او الزامی است برخلاف آن که خانه اش دور است.<sup>۴</sup>

« منبع: فصلنامه مسجد شناخت، ویژه نامه فرهنگی آموزشی و ترویجی / دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد / خرداد ۹۳

۱. عن علی علیه السلام أنه قال: لا صلاة لجار المسجد الا في المسجد الا ان يكون له عذر او به علة فقيل: ومن جار المسجد يا امير المؤمنين علیه السلام قال: من سمع النداء.  
۲. وفي رواية ابي بصير عن ابي عبد الله علیه السلام قال: من سمع النداء من جيران المسجد فلم يجب فلا صلاة له.  
۳. وروى محمد بن مسلم عن ابي جعفر علیه السلام أنه قال: لا صلاة لمن لا يشهد الصلاة من جيران المسجد الا مريض او مشغول.  
۴. رسول الله صلی الله علیه و آله قال: و من قربت دارة من المسجد لزمه من حضور الجماعة ما لا يلزم من بعد منه.



« مسجد در آینه فرمایشات  
امام خمینی قدس سره و  
مقام معظم رهبری مدظله العالی



## « الف ) مسجد در آئینه فرمایشات امام خمینی قدس سره»

### مسجد خاستگاه اصلی مبارزه با ظلم

این مساجد است که این بساط را درست کرد. این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله هم، و بعد از آن هم تا مدت‌ها، مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود؛ مرکز تجییح جیوش بود. «محراب» یعنی مکان حرب؛ مکان جنگ، هم جنگ با شیطان، و هم جنگ با طاغوت. از محرابها باید جنگ پیدا بشود؛ چنانکه پیشتر از محرابها پیدا می‌شد از مسجدها پیدا می‌شد. ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کنید. ای روشنفکران مسجدهارا حفظ کنید، روشنفکر غربی نباشید. روشنفکر وارداتی نباشید! ای حقوقدان‌ها! مسجدهارا حفظ کنید. بروید به مسجد؛ نمی‌روید! این مسجدهارا حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد؛ تا مملکت شما نجات پیدا کند. خداوندان شاء الله این مسجدهارا برای ما حفظ کند.<sup>۱</sup>

۱۳۵۸/۳/۱۵.۱

## مسجد منزوی و اسلام منزوی

آن اسلامی که به درد جامعه نرسد، و آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد، آن اسلام منزوی است. اسلام منزوی در مساجد بود. با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتر بوده. هر وقت می خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می کردند این امور را. مع الأسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی، بعد از یک مدتی تا زمان ما مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را محکوم می کنم، محکوم کردن اسلام بر این است که آن چیزی که اسلام می خواهد در مسجد زیر پا گذاشته بشود. اسلام می خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت نکنند.<sup>۱</sup>

## کارکردهای اجتماعی و سیاسی مسجد

مسجد مرکز تبلیغ است. در صدر اسلام از همین مسجدها جیش‌ها، ارتش‌ها، راه می افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده مسجد. هر وقت یک گرفتاری پیدا می شد، صدا می کردند که «الصلوة بالجماعة»، اجتماع می کردند؛ آن گرفتاری را طرح می کردند، این صحبت‌ها را می کردند. مسجد، مرکز اجتماع سیاسی است. و از این یک قدری وسعتش زیادتر، می شود نماز جمعه<sup>۲</sup>.

۱۳۶۲/۵/۲۵.۱

۱۳۵۸/۶/۲۶.۲

## مسجد ضرار

وقتی که مامی بینیم که مملکت ما از سینمایش گرفته تا مدرسه اش استعماری است؛ یعنی از خارج آوردند اینها را برای ما، تحفه‌هایی است که از آنجا آوردند برای فاسد کردن نسل جوان ما، همه چیزش را، اگر مسجد هم یک وقت اینطور شد، مادر آن را می‌بندیم. اگر مسجدی شد که این مسجد دعوتش دعوت فاسد شد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خراب کرد «مسجد ضرار» را، مسجدی که درست کرده بودند در مقابل پیغمبر، و تبلیغات می‌کردند بر ضد اخلاق و بر ضد امثال ذلک؛ پیغمبر داد خرابش کردند. اگر مسجدی باشد که مسجد ضرار باشد، مسجدی باشد که نتوانیم آن مسجد را اصلاحش کنیم، مسجدش [را] هم خراب می‌کنیم؛ نه اینکه سینمایش را<sup>۱</sup>.

## مسجد کانون اصلی مبارزه با ظلم و استکبار

مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبشها بوده است. شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامی و برای قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید<sup>۲</sup>.

## لزوم اهتمام به مسجد در هر زمان

مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این

۱۳۵۷/۷/۲۷.۱

۱۳۵۸/۱/۳۱.۲

پیروزی را برای ملت مادرست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است. ما اگر نماز نباشد و آداب اسلامی نباشد، چه داعی داریم که بیاییم خودمان را به مهلکه بیندازیم و وارد این امور بشویم؟ ما برای اسلام این کارها را می‌کنیم و شما، شما ملت برای اسلام قیام کردید، و برای اسلام این همه زحمت کشیدید و دارید می‌کشید. مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است، بسط فقه اسلام است و آن مساجد است، اینها را خالی نگذارید!

### مسجد قدرتمند پشتیبان ملت و دولت

من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها. حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او بسته است. ماه مبارک رمضان و بعد از ماه مبارک رمضان هم، مسجدها را آباد کنید. من در مکه که مشرف بودم یک روز می‌خواستم یک کتابی بخرم که برای آن کتابفروش هم فایده داشت، ایستاده بودم، اذان گفتند، بکدفعه رها کرد و گفت که: «سنه حقیقه» دیگر با من حرف نزد، رفت سراغ نماز. در مدینه بازار را که من دیدم بسته بود. یعنی باز بود لکن هیچ کس نبود. می‌رفتند سراغ نماز. چرا شما نمی‌روید سراغ نماز؟ چرا ظاهر که می‌شود بازار را رها نمی‌کنید و بروید سراغ نماز؟ اگر بروید سراغ نماز، احیاء کنید این سنت سیاسی اسلام را، همان طوری که در روز جمعه حالا بحمدالله می‌روید، روز غیر جمعه هم بروید مساجد را پر کنید. اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید. ترس از امریکا و شوروی و این‌ها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به

اسلام. پشت کنید به مساجد<sup>۱</sup>.

## مساجد سنگر مقابله با دشمن

این مسجدها را سنگر قرار بدهید برای اسلام. در صدر اسلام، از این مسجدها همه چیز بیرون می‌رفت؛ مسجد محل قضاوت بود، مسجد محل چه بود، مسجد محل بسیج بود. بسیج سپاه بود، این مسجدها را باید شما محکم نگه دارید. نگویند به شما که دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؛ ما انقلاب کردیم؛ ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم. ما برای خدا انقلاب کردیم. شما، ملت ما انقلاب کرده است و از زبان ملت است که «جمهوری اسلامی». جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد. این مساجد سنگرهای اسلام است. محراب محل حرب است. اینها سنگرند برای اسلام. حفظ کنید اینها را. گول نخورید از این اشخاصی که می‌خواهند بازی بدهند که «آقا شما چکار دارید به این کارها، دارند خودشان می‌کنند!»

## نقشه خاص دشمن بر مساجد نشان از اهمیت این جایگاه دارد

توطئه برای این است، که اینها در کار نباشند. اینها می‌گویند که روحانی‌ها بروند در مسجدها و همان جانماز جماعت بخوانند. بسیار خوب، شما می‌گذارید روحانی‌ها در مسجد نماز جماعت بخوانند؟ شما توی همان مسجد هم می‌روید یک عده‌ای را از اشرار می‌برید. یک نفر آدمی که از اسلام هیچ اطلاع ندارد جلو و می‌دارید. صورت نماز درست می‌کنید برای اینکه، مسجد را هم از اینها بگیرید. قضیه این نیست که اگر روحانیین دست برداشتند از کارهای ارزنده‌ای که دارند می‌کنند و رفتند تو مسجدها، رهایشان کنند. می‌خواهند مسجدها را هم از روحانی پاک کنند به اصطلاح خودشان. می‌خواهند مسجدها را از

۱۳۵۹/۴/۲۰

مسلمانها بگیرند. شما دیدید در زمان محمد رضا برای هر مسجدی در مساجد تهران، که مُسَلَّم جاهای دیگر هم شاید بوده - نمی دانم - یک نفر سرهنگ بازنشسته منحرف ساواکی را گذاشتند آنجا برای مراقبت کردن اوضاع. اگر اینها دست بردارند از این کاری که انجام دادند و به وسیله آنها انجام گرفته است، از اینها دست بر می دارند اینها؟ یا خیر، مسجد هم نباید داشته باشند؟ آن روز می گفتند عَمّامه هم نباید داشته باشند. حالا هم به آن خواهد رسید اگر شما مسلمانها سست بگیرید.... شما می گذارید اینها (روحانیون) تو مسجدها باشند؟ یا اینکه تو مسجد هم وقتی که آمده است یک آقای بی دارد نماز می خواند، یک دسته ای پا می شوند می آیند و می ایستند نماز می خوانند برای شکستن این نماز. برای بیرون کردن این روحانی از مسجد. می خواهند این سنگ را از شما بگیرند. مسجد یک سنگ اسلامی است و محراب محل جنگ است، حرب است. این را می خواهند از دست شما بگیرند. میزان هم همین نیست که این را بگیرند. اینها مقدمه است، و الاّ هی بروید نماز بخوانید. اما اینها از مسجد بد دیدند، خصوصاً در این دو سه سال اخیر. در این دو سه سال اخیر، مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می کرد. اینها می خواهند این سنگ را بگیرند<sup>۱</sup>.



« ب) مسجد در آئینه فرمایشات مقام معظم رهبری مدظله العالی

### اهمیت مسجد

اولین مسئله، اهمّیت خود مسجد است و این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محلّ تجمع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجّه به خدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خوب، یک عده‌ای دور هم جمع میشوند، میگویند، می‌شنوند، تصمیم میگیرند، ارتباطات فکری برقرار میکنند، داده‌ها و گرفته‌های فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتفاق بیفتد؟ مثلاً در باشگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلف اتفاق بیفتد که در غرب معمول است، یا در قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامه‌ی صلات است؛ این خیلی فرق میکند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن وقت یک معنای دیگری پیدا میکند، یک جهت دیگری پیدا میکند، دلها را به سمت دیگری میکشاند؛ این ابتکار اسلام بود.

بله، معبد در همه‌ی ادیان هست - که می‌نشینند در آنجا و عبادت میکنند - لکن

مسجد با معابد مسیحی و یهودی و بودایی و بعضی جاهای دیگر که ما دیده‌ایم یا شنیده‌ایم متفاوت است. در مسجد، پیغمبر اکرم نمیرفت فقط نماز بخواند و بیرون بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا میزدند: اَلصَّلٰوةُ جَامِعَةٌ<sup>۱</sup> بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئله‌ی جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را و بقیه‌ی چیزها؛ و شما در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنید که مساجد، مرکزی برای تعلیم بود؛ می‌شنویم و در روایات می‌خوانیم که در مسجد الحرام یا مسجد النبی حلقه‌ی درس زید و عمرو و بکر از نحل‌های مختلف فکری و مذهبی وجود داشت؛ معنای این خیلی متفاوت است با کلیسیا یا با کنیسه‌ی یهودی که فقط می‌روند آنجا، یک عبادتی می‌کنند و بیرون می‌آیند. مسجد پایگاه است و این پایگاه بر محور ذکر و نماز است.<sup>۲</sup>

### مسجد پایگاه است

خب، مسجد بر محور چنین گوه‌ری شکل می‌گیرد؛ اجتماعی است بر گرد یک چنین حقیقت درخشانی. بنابراین مسجد اهمیت دارد، پایگاه است؛ همچنان که معروف شده در زبانها واقعاً پایگاه است. نه فقط پایگاه برای فلان مسئله‌ی اجتماعی، [بلکه] مسجد میتواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد؛ و هَلُمَّ جَزًا. مسجد یک چنین جایگاهی است.<sup>۳</sup>

۱. از جمله، وسائل الشیعه، ج ۲۳، کتاب الایمان، ص ۲۴۳

۲. ۱۳۹۵/۵/۳۱.۲

۳. ۱۳۹۵/۵/۳۱.۳

## آغاز انقلاب از مساجد

انقلاب از خانه مذهب یعنی مسجد و مدرسه دینی آغاز شد و جهت گیری مذهبی در انقلاب روز به روز افزایش پیدا کرد و نقش مذهب و ارزشهای معنوی، آن قدر قوی شد که کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این گونه آدمها را به میدان نمی آیند<sup>۱</sup>.

یکی از ابتکارات مهم امام بزرگوار ما، از هنرهای بزرگ این مرد بزرگ همین بود که از اول انقلاب مساجد را محور قرار داد. آن روزهای اول انقلاب، آنهایی که یادشان است میدانند که همه چیز در هم ریخته بود: سلاح بیاورند، جمع کنند، از اینجا بردارند، [نکنند] دستهای غیر مأمونی به کارهایی دست بزنند؛ مرکز تشکّل لازم بود، هسته‌ی مرکزی لازم بود؛ این هسته‌ی مرکزی را امام بلافاصله همان روز اول، حتی قبل از اینکه اعلام پیروزی بشود، معین کردند: مساجد. هر کس از هر جا مثلاً سلاح دست می آورد، ببرد [به مساجد]. بعد هم یک سازمان دهی عظیم مسجدی تشکیل شد و به وجود آمد که همان کمیته‌های انقلاب بودند، که تا مدتهای طولانی همه‌ی کارهای انقلاب را اینها انجام میدادند، و در واقع همه‌ی کارهای کشور را اینها انجام میدادند. مسجد یک چنین خصوصیتی دارد که بر مبنای ذکر و نگاه الهی و توجه الهی و مانند اینها است. خوب این یک نکته است که اجتماع مردم بر محور ذکر خدا و مانند اینها [است]<sup>۲</sup>.

## مسجد نقطه اتصال دنیا و آخرت

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندان و سالم، درهم می آمیزد و فرد و جامعه را به تراز اسلامی آن نزدیک

۱۳۸۹/۸/۱۸.۱

۱۳۹۵/۵/۳۱.۲

می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه‌های مکتب اسلام است.<sup>۱</sup>

### مساجد کانون حفظ دین

هر چه می‌توانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب است، مساجد کانون دین است، الان هم همین است. هیچ چیز جای مسجد را پر نمی‌کند؛ یعنی سلولی است که آدم به تنهایی نگاه می‌کند، ولی همین مساجد است که فضای دینی نگه می‌دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و بادین آشنا می‌کند.<sup>۲</sup>

### جایگاه مسجد در شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی

مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بزرگی شده است مثلاً قیام مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند مثل الجزایر و دیگر کشورهای که سال‌ها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسوی‌ها بودند از مساجد شروع شد که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند انقلاب در این کشورها هم آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملت‌ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند.<sup>۳</sup>

### مساجد مراکز تصمیم‌گیری از صدر اسلام

در صدر اسلام هم در زمان نبی مکرم اسلام ﷺ و همچنین در زمان حکومت با برکت امیر المؤمنین (علیه السلام) مسجد مرکز همه تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای

۱۳۸۹/۷/۱۸.۱

۱۳۷۷/۱۰/۱۹.۲

۱۳۷۵/۱۰/۱۹.۳

بزرگ بودنمی خواهیم از لحاظ وضع زمان مسجد امروز را به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) تشبیه کنیم زیرا اقتضاهای هر زمان متفاوت است به طور کلی مسجد به عنوان یک پایگاه دین عبودیت و معرفت می تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد<sup>۱</sup>.

### نقش مسجد در شکل گیری انقلاب اسلامی

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی و یا لاقلاً سهولت این پیروزی این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند، جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم تربیت روشنگری افکار و اذهان مورد استفاده قرار دادند و مسجد مرکزی برای حرکت آگاهی نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته رژیم طاغوت شد. در دوره مشروطیت هم همین طور بوده است در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین طور بود، در زمان انقلاب هم که این مسأله به حد اعلی رسید<sup>۲</sup>.

### مسجد هسته مقاومت

مسئله‌ی دیگر در مورد مسجد عبارت است از هسته‌ی مقاومت. مقاومت وقتی گفته میشود، فوراً ذهن میرود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها. خوب، بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاک ریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت. مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه‌ی کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم. اولاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مومنین خودتان و مسجدی‌های خودتان میزنید (خطاب به ائمه جماعات حاضر در دیدار روز جهانی مسجد)، از نطق تلویزیونی و مانند اینها بمراتب

۱۳۷۵/۱۰/۱۹.۱

۱۳۷۵/۱۰/۱۹.۲

کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاه چشم در چشم و جلسه‌ی نزدیک که نفس گوینده به شنونده می‌خورد، یک چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلی دارد؛ البته در کل اسلام در نمازهای جمعه و امثال اینها این هست، لکن در بین شیعه، بروز و ظهور بیشتری دارد. این مجالس روضه خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمی است؛ اینها را دست کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است، منتها خوب دایره‌اش محدود است؛ اگر چنانچه این سلسله‌ی عظیم، این تشکیلات عظیم خوب کار کند و در همه جا کار کند، تأثیراتش بر همه‌ی اینها فائق خواهد آمد و میتوانید شما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیت ببخشید و میتوانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به طور دائم دارد سرازیر میشود به طرف این کشور و طرف این نظام واکسینه کنید. بنابراین [مسجد] هسته‌ی مقاومت است، منتها مقاومت بانواعه؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما اینکه در مساجد [اینگونه بوده].<sup>۱</sup>

### نقش مسجد به عنوان دانشگاه و مدرسه

ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند اگر کسی خیال کند که در مسجد فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد خطاست این طور نیست، اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود خود نماز که به زبان مُشَرَّع مقدّس نماز و اذان خیر العمل و فلاح است مایه برکات زیادی می‌شود نماز یک ملت را به قیام لله و ادار می‌کند نماز انسانها

راز فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند. علاوه بر آن مسجد فقط برای نماز نیست در مسجد انواع عبادات هست از جمله آن عبادات تفکر است که «تفکر ساعه خیر من عبادت سنه» یا در بعضی از روایات است که «من عبادت اربعین سنه» یا «سبعین سنه» البته فکر کردن درست. افراد مسجد برو این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می‌آورند بنابراین مسجد هم مدرسه است هم دانشگاه هم مرکز تفکر و تأمل هم مرکز تصفیه روح هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست ارتباط زمین و آسمان است جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می‌کند انسان در مسجد خود را به خدا متصل می‌کند بنابراین باید قدر مساجد را دانست باید در مساجد حضور پیدا کرد<sup>۱</sup>.

### جایگاه مسجد در سلامت روانی شهر و اجتماع

روح مسجد، کالبد زندگی را پر نشاط و پرانگیزه می‌سازد. در هر جا سامان زندگی است، مسجد، مرکز و کانون اصلی است. در بنای شهر و روستا، در مدرسه و دانشگاه، در مراکز جمعیتی از بازارهای کسب و کار تا فرودگاه‌ها و جاده‌ها و پایانه‌های سفری و تا آسایشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و بوستان‌ها و گردشگاه‌ها، در همه و همه باید مسجد را همچون قطب و محور بنا نهاد. مسجد در همه جا باید پاکیزه، زیبا و آرام‌بخش باشد. مدیریت محتوایی و معنوی مسجد که بر دوش روحانی مسجد است باید خردمندانه و مسئولانه، و حتی عاشقانه باشد. اگر مسجد، کیفیت شایسته‌ی خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد شد<sup>۲</sup>.

۱۳۷۵/۱۰/۱۹.۱

۱۳۹۰/۷/۱۹.۲

## مسجد نشانه اصلی اسلام در تمام دنیا

صدای اذان باید از مساجد بلند شود. باید همه نشانه‌های توجه به نماز و اقامه‌ی نماز را در شهر اسلامی - بخصوص در شهرهائی مثل تهران و شهرهای بزرگ کشور - ببینند، باید احساس کنند؛ هم مردم خودمان، هم کسانی که وارد این شهرهای می‌شوند. نشانه‌های اسلامی باید واضح و آشکار باشد؛ کما اینکه در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی آشکار باشد. صهیونیست‌ها هر نقطه‌ی دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره داوود را سعی کردند یک جور رویش تثبیت کنند. کار سیاسی‌شان این جوری است. ما مسلمان‌ها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه‌ی کارهای مان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم!

## مسجد و سیاست

بنابر این مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت میکنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدفها دور میشویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریانها روشن میشود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و

۱۳۸۷/۸/۲۹.۱



تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به یافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت میکنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؟ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد. بعضی کوه نظری میکنند، کوه بینی میکنند و همه‌ی چیزها را منحصر میکنند در دوستی یا دشمنی با یک شخص. یک شخص یا یک جریان چه اهمیتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان شناسی کرد؛ در اغلب کسانی که پایشان میلغزد این [جور] است.<sup>۱</sup>

یک نکته‌ی دیگر این است که بعضی‌ها مسجدرابر خلاف آنچه ما حالا عرض کردیم - از مسائل سیاسی میخواهند بکلی برکنار بدارند. [میگویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بُروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هر کسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان میخواهند؛ دشمنان همین را میخواهند. آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند میکند؛ با آن مخالفند. از اسلام میترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی

مسئله است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی است. [از این جور اسلامی می‌تواند و الا از اسلامی که ولو یک میلیون طرف دار هم فلان جریان یا فلان حزب یک گوشه‌ای در یک کشور یا در سراسر دنیا داشته باشد اما قدرتی در اختیار ندارد، و همه‌ای ندارند؛ کاری [در برابر آن] نمی‌کنند. آن اسلامی که با آن مقابلند، با آن مخالفند، با آن دشمنند، کینه‌ی آن را در دل می‌پورانند، اسلام مقتدر است. آن وقت ما بیاییم اسلام را در کانونهای اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مسیر جامعه بکلی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی است در حق مسجد.<sup>۱</sup>

### مسجد مأمّن همه افراد اجتماع

مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشند. زمزمه‌ی محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش‌آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که از دواج می‌کنند، با کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب‌همتانی که کمک به دیگران را وجهه‌ی همت می‌سازند، با غمخیزانی که غمگساری می‌جویند، و حتی بانوانی که متولد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محل؛ مأمّن و مایه‌ی خیر و برکت باشد و به

طریق اولی، وسیله زحمت و آزار مجاوران نگردد. پخش صداهای آزاردهنده بویژه در شب و هنگام آسایش مردم، کاری ناروا و در مواردی خلاف شرع است. تنها صدائی که باید از مسجد در فضا طنین بیفکند، بانگ اذان با صوت خوش و دلنواز است.<sup>۱</sup>

مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آنها چه می‌خواهیم. یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی آحاد وظیفه دارند، مسئولیت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امت. بنابراین این‌جا محل پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و پایگاه فعالیت‌های اجتماعی است.<sup>۲</sup>

### مسجد زنده و پویا و با نشاط

سفارش این‌جانب آن است که مسجد را نیز همچون دل‌های جوان، پاکیزه و پیراسته، و لبریز از شور و انگیزه و نشاط کنید. مسجد نیز باید کانونی باشد که مشکات نماز در آن بدرخشد و نور معرفت و محبت و انس و صفا از آن ساطع شود. امامان جماعت، هیئت‌های امناء، خادمان موظف و متبرّع، هر یک باید بخشی از این کار بزرگ و اثرگذار را بر دوش خود حس کنند.<sup>۳</sup>

### بانگ اذان دل‌های افسرده را زنده می‌کند

همه آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند. من همین‌جا، خلا اذان در جامعه‌مان را یادآور بشوم. در این تهران،

۱. ۱۳۸۹/۷/۲۰

۲. ۱۳۹۵/۵/۳۱

۳. ۱۳۸۸/۸/۱۲

صدای اذان به گوش انسان نمی‌رسد. چرا؟ اذان، یک شعار اسلامی است. ما با اینکه پشت بلندگو، تا دیر وقتی از شب، شعر یا قرآن یا نوحه بخوانند و مزاحم همسایه‌ها بشوند، مخالفیم. با چنین چیزی، مقابله هم می‌کنیم. اما با اینکه صدای اذان، اول ظهر و مغرب و صبح، بخصوص از حنجره‌ها خارج بشود، صد در صد موافقیم.

اذان، چیز خیلی خوبی است؛ «حی علی الصلوه»، «حی علی الفلاح»، «الله اکبر». چرا در جامعه اذان نیست؟ اذان با توجه، به دلها امید می‌دهد. بانگ اذان، دل‌های افسرده را روشن می‌کند البته در سحرها، برای اذان صبح، از بلندگو استفاده نکنند با حنجره اشکالی ندارد. هر چند وقت بیداری است اما ممکن است اسباب زحمت بشود. همه ظواهر جامعه، اینطور باشد. مسجدها در وقت نماز، سرشار و مالا مال از انسانهای ذاکر و ساجد و راکع باشد.

چشم‌ها، ظواهر را می‌بینند و پشت چشم‌ها، دلها قرار دارند. خیال نکنید چشم‌ها، شیشه‌ای هستند که در اینجا گذاشته‌اند. نخیر، پشت چشم، دل و جان و ذهن انسانی است. این چشم‌ها و نیز دل‌هایی که پشت آنهاست، باید از نشانه‌های اسلام پر بشوند<sup>۱</sup>.

### مسجد برقرار

ک نکته‌ای که بنده بارها این را عرض کرده‌ام، این است که مسجد بایستی برقرار باشد؛ که حالا خوب [با توجه به] آمارهایی که بیان کردند، بحمدالله تا حدودی گویا این جور شده، تحقق پیدا کرده لکن باید کامل بشود. وقت نماز، مسجد باید باز باشد. هر سه وقت در مسجد باید نماز جماعت برگزار بشود؛ بنا بر این باید گذاشت. حالا ممکن است بنده مثلاً فرض کنید توانایی ندارم که هر سه وقت

بروم، خب یک نفر دیگر را حتماً آنجا بگذارم که سه وقت در این مسجد نماز اقامه بشود. و در مسجد از پیش از ظهر که باز میکنند برای نماز ظهر و عصر، تا شب بعد از نماز عشا باز باشد؛ این جور نباشد که در مسجد را ببندند. بنده شنیدم بعضی‌ها میگفتند «عصری وارد تهران شدیم، نماز ظهر و عصر میخواستیم بخوانیم، در هر مسجدی رفتیم بسته بود»؛ البته مال چند سال پیش است؛ نه، مسجد باید باز باشد.<sup>۱</sup>

### مسجد بهترین پایگاه بسیج

مساجد را رها نکنید. این نیروی مقاومت بسیج بهترین جایی که دارد این گروه‌های مقاومت، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگه دارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد، با مومنینی که در مسجدند، برادرانه و صمیمی باشید که بحمدالله هستند و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت نماز را به جماعت پشت سر پیش‌نماز هر مسجدی که هستید بخوانید. در مراسم دینی مسجد، تبلیغات آنجا شرکت نکنید. و در دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت نکنید، شما و امام جماعت آن مسجد هر کس که هست، مشترکاً مسجد را حفظ کنید. جاذبه درست کنید برای مسجد تا بچه‌های محل، جوان‌های محل، زن و مرد محل، مجذوب این مسجد بشوند که شما در آنجا هستید و بیایند. این مسجد بسیار چیز مهمی است و پایگاه مهمی است.<sup>۲</sup>

### کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

کار فعال کردن کانون‌های فرهنگی مساجد کار خوبی است، منتها مساجد - شما می‌دانید - یک رئیس طبیعی دارد و آن امام جماعت است. اگر شما جوری عمل کنید که آن امام جماعت، یا تصور کند که دارید شما جای او را تنگ

۱۳۹۵/۵/۳۱.۱

۱۳۷۱/۸/۲۷.۲

می کنید، یا واقعا جای او را تنگ کنید، یک معارضه‌ای در بطن این کار وجود دارد، حواستان باشد! و حالا اگر یک وقتی امر دائر شد بین کانون فرهنگی و امام جماعت، ما امام جماعت را مقدم می‌دانیم؛ این را به شما بگویم. غرض، حواستان باشد که نگویید این جا آخوند گرای شد و گروه‌گرایی شد. چون قوام مسجد به آن آقای پیش‌نمازی است که آنجاست. حالا ممکن است میان‌شان یک آدمی باشد که خیلی فعال هم نباشد، چه نباشد، اما طبیعت کار این است. خیلی خوب، حالا اگر شما جوری عمل کنید که آن آقا با شما همکاری کند و تشویق بشود به همکاری، این دیگر «نور علی نور» است. غرض، حواستان باشد؛ به این نکته توجه کنید. این را من خواستم برای این که شما «عن بصیره» حرکت کنید<sup>۱</sup>.

### ساخت و عمران مساجد

دیگر اینکه مساجد و حسینیه‌ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه، که عبارت بوده است از این که مردم مسجد بسازند، حسینیه بسازند. این سنت، بسیار سنت بابر کتی است. و آن «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله» فوت نشود. این آیه قرآن، مایه تشویق مردم بوده است در طول سنین متمادی، به ساختن مساجد، به تعمیر مساجد، به آباد سازی مساجد، به فرش مساجد. روزیلوها می‌نوشتند؛ این را ما وقف کردیم. اینها دلبستگی مردم را به مسجد تامین می‌کند. اینها از بین نرود که این کار یک ظرافتی لازم دارد.<sup>۲</sup>

### راز جذب جوانان به مسجد

بروید سراغ مخاطبان، زبان ویژه او را پیدا کنید و اگر دیدید سخت است،

۱. ۱۳۷۵/۲/۳۱

۲. ۱۳۷۵/۳/۲۸

یک راه میان بر داریم و آن زبان خوش است. زبان خوش. خیلی جای دوری نرویم. مسجد بنده، همیشه مملو از جوان ها بود. آنهايي که سن شان کفاف بدهد، می دانند. هيچ وقت مسجدی که بنده نماز می خواندم، بعد از نماز مغرب و بين نماز مغرب و عشا، توی مسجد جا نبود. همیشه بیرون مسجد جمعیت بود، صدی هشتاد هم، جوان برای خاطر این که با جوان تماس می گرفتیم. آن روزها، سالها، آنوقت ها مد شده بود پوستین های وارونه، جوان های خیلی آلامد، می پوشیدند. یک جوانی از این پوستین وارونه یی ها، آمده بود صف اول نماز، پشت سجاده نشسته بود. یک حاجی محترم بازاری هم که خیلی مرد فهمیده ای بود - خیلی خوشم می آمد که او می آید صف اول می نشیند - آن هم نشسته بود. دیدم او رویش را کرد به گوش جوان، یک چیزی گفت، این جوان مضطرب شد. گفتم چی گفتی؟ جوان گفت: هیچ چیز. او هم گفت هیچ چیز. گفتم: نه، چی گفتی؟ فهمیدم که آقا نه آقا، نه، نه. اتفاقاً شما مناسب نیست با این لباس صف اول بنشینید. گفتم نه آقا، نه، نه. اتفاقاً شما مناسب است همین جا بنشینید، تکان نخور از این جا، گفتم حاجی چرامی گویی جوان برود عقب؟ بنشین همین جا. بگذار بدانند که جوان پوستینه وارونه هم می تواند بیاید نماز جماعت بخواند و به ما اقتدا کند. اگر پول نداریم، اگر امکانات هنری نداریم، اگر فعلاً ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه نداریم، اخلاق که می توانیم داشته باشیم برادرها! «المومن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» آن، آنی را که باید ابراز کنید، با اخلاق، بروید سراغ این جوان ها، برید سراغ دل های این ها، روح های این ها، و رای قالب های این ها. آن وقت تبلیغ انجام خواهد شد!

یک نکته ی دیگر این است که بایستی برای جوانها جایگاه خاص در مسجد ایجاد کرد؛ یعنی واقعاً باید برای جذب جوان برنامه ریزی کرد. نه اینکه ما با

حضور میان سال و پیر مرد در مسجد مخالفیم؛ نه، مؤمنین همه باید بیایند به مسجد و استفاده کنند، اما جوانها را باید جذب مسجد بکنیم. اینکه جوان مسجد را خانه‌ی خود و جایگاه خود بشناسد و به آن انس پیدا کند و رفت و آمد پیدا بکند، خیلی برکات دارد. کار را در جامعه جوانها انجام میدهند، پیشران حرکتهای اجتماعی جوانها هستند، اینها هستند که کار میکنند، تلاش میکنند. جاذبه‌ی برای جوان برخلاف آنچه بعضی تصور میکنند، گذاشتن میز پینگ پنگ نیست. بعضی خیال میکنند برای اینکه جوانها را جذب کنیم به مسجد، وسایل سرگرمی فراهم بکنیم؛ مثل همان جریانی که یک کلیسایی در آمریکا [انجام میداد] که آن نویسنده‌ی مصری میگوید رفتم دیدم که پای این کلیسا یک برنامه‌ای زده‌اند که مثلاً فرض کنید که امشب از ساعت فلان در سالن کنار کلیسا، آن طرف محراب، این برنامه‌ها هست: برنامه‌ی رقص است و آواز است و موسیقی است و یک شام سبکی است و آنس هست و مانند اینها. میگفت حساس شدم، رفتم دیدم بله، همین است؛ اینجا سالن کلیسا است، یک سالن هم بغلش هست مثل یک کاباره؛ دخترها، پسرها، مردها، میان سال‌ها می‌آیند تماشا میکنند؛ دختر و پسرها هم میدان دارند. موسیقی هست، رقص هست، آواز هست، آخر سر هم کشیش آمد و چراغها را یک خرده‌ای کم کرد تا یک خرده کم نور بشود و فضا [خاص شود]، میگفت رفتم بیرون؛ فردا برگشتم آمدم آن کشیش را در کلیسا پیدا [کردم]؛ گفتم من دیشب در این جلسه‌ی شما بودم، آخر معنای این چیست؟ ایشان گفت: ای آقا، میخواهیم جوانها را جذب کنیم! جوانها را میخواهیم [جذب کنیم]!! اگر بنا است بارقص و آواز و موسیقی و امثال اینها جوان جذب بشود، خوب بروند همان کاباره، چرا بیاید اینجا؟<sup>۱</sup>

راه جذب جوانها تصرف دل جوان است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی



است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش میکنم، حدّا کتر اندکی تأثر پیدا میکنم، [اما] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب میشود، از این رو به آن رو میشود. دل جوان حقیقت پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا. دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی انس پیدا میکند، زود انس پیدا میکند، زود دل‌باخته و دل‌بسته میشود؛ جاذبه‌ی جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفانهای تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته کنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب میشود و می‌آید. جاذبه‌ی جوان در مسجد اینها است. وَاَلَا حَالًا يَكُ وَسِيلَةَ بَازِي هِمَّ أَنْجَافِ رَهْمِ كَرَدِيمِ، گذاشتیم، خب اگر بنا است برای بازی بیاید، برود در باشگاه بازی کند.<sup>۱</sup>

### اهمیت سرگذشت مساجد

یک نکته‌ی دیگر هم عرض بکنیم؛ مساجد ما یعنی مساجدی که امروز خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی هستند و غالباً سی سال چهل سال عمر دارند، یک تاریخ شنیدنی و زیبایی دارند؛ غالباً این جور هستند. در این مساجد علمایی آمده‌اند، ائمه‌ی جماعتی آمده‌اند، رفتارهایی داشته‌اند، برخوردهایی داشته‌اند، مؤمنینی در اینجا آمده‌اند، جوانهایی در اینجا تربیت شده‌اند، از اینجا بسیجهایی صورت گرفته، شهدایی [داده‌اند]، پیکرهای شهیدی به این مساجد برگشته‌اند؛ اینها تاریخ است، اینها سرگذشت‌های جذّاب یک مسجد است؛ این سرگذشت‌ها را باید حفظ کرد. هر کدام از این مساجد میتواند یک سرگذشت واقعی جذّاب درس آموزی داشته باشد برای کسانی که امروز در مسجدند و

کسانی که فردا به این مسجد خواهند آمد؛ این را در قالبهای گوناگون - قالب کتاب، قالب مقالات مجله‌ای، قالب عکس، قالب کلیپ - میشود در آورد؛ اینها را میشود تبیین کرد. چقدر از این مساجد هستند که شهدای نام‌آوری در این مساجد تربیت پیدا کردند، بعد خارج شدند و در راه خدا به شهادت رسیدند؛ این تاریخ را ما بایستی حفظ کنیم.<sup>۱</sup>

### نوآوری در معماری مسجد

نکته اساسی این کار شما این است که شما ابتکار به خرج دادید یعنی تلاش گوناگون اجتماعی و علمی و تحقیقی و هنری و همه را گذاشتید روی موضوع مسجد. چیز جدیدی است این. نکته دوم این است که در موضوعاتی هم که مطرح کردید برای دنبال‌گیری و تحقیق کردن در آنها هم ابتکارهایی مشاهده می‌شود.

الان، اتاقکی درست می‌کنند اسمش را می‌گذارند مسجد، عیبی ندارد، شرعاً هیچ اشکالی ندارد. اما خوب چه قدر خوب است که این معماری مسجد همچنانی که در گذشته تاریخ ما وجود داشته، یک معماری شاخصی باشد که در آن نیازها ملاحظه بشود. غرض این است که شما ابتکار به خرج بدهید و دنبال کنید همین کار را. بسیار صحیح است و همین طور هر چه هم می‌توانید دامنه کار را گسترش بدهید و پیش بروید.<sup>۲</sup>

« منبع: نشریه مسجدشناسی، ویژه‌نامه فرهنگی آموزشی و ترویجی / دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد / خرداد ۹۳

« خادم مسجد و جایگاه او در آیات  
و روایات



## « ثواب خدمت به خانه خدا »

در مورد خدمت به مسجد از اهل البیت (علیهم السلام) روایاتی به دست ما رسیده است که در این بخش به بیان آن روایات می پردازیم. قبل از بیان روایات تذکر این نکته جالب است که منصب خادمی خانه خدا از زمان جاهلیت بوده است البته در آن زمان این خانه توحید، مملو از مظاهر شرک بود که پس از آمدن اسلام باز بین رفتن بتها و شکسته شدن آنها به دستان مبارک امیرالمومنین (علیه السلام) این خانه از وجود آنها پاک شد و محلی گشت برای عبادت موحدین. اما خادمی کعبه در زمان جاهلیت بر عهده خانواده ای به نام بنی عبدالدار بود که پس از اعلام دعوت به اسلام توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تسلط بر مکه، حضرت ایشان را برای منصب ابقاء کردند<sup>۱</sup> و در خطبه ای که در حجه الوداع قرائت کردند فرمودند: «و إن مآثر الجاهلیه موضوعه غیر السدانه و السقایه»<sup>۲</sup> یعنی تمام سنتهای جاهلی باید کنار گذاشته شوند الا خادمی بیت الله و سقاییت حجاج کعبه که در آن زمان عباس عموی پیامبر مسئول رفع تشنگی مهمانان بیت الله بود. پس خدمت به

۱. الصحاح، ج ۵، ص ۲۱۳۵، ذیل ماده «سدن»

۲. تحف العقول، ص ۳۱.

مسجد از همان صدر اسلام بلکه قبل از آن دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و آنقدر این مقام جایگاه اجتماعی داشته که عثمان بن ابی طلحه<sup>۱</sup> که خادم بیت الله بوده با عباس بن عبدالمطلب که مسئول آب رسانی به زائران بود به امیرالمومنین (علیه السلام) فخر می فروختند که ما چنین جایگاهی داریم اما پیامبر به تو جایگاهی عطا نکرده<sup>۲</sup> که در این هنگام این آیات نازل گردید: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ»<sup>۳</sup> یعنی آیا ساقی بودن برای حجاج یا آباد کردن مسجد الحرام را برتر می دانید از مقام کسی که به خدای متعال و روز قیامت ایمان آورده است و در راه خدا به مجاهده پرداخته است، هرگز آن دو مقام در نزد خدا از ایمان به خدای متعال برتر نمی باشد. با توجه به این آیات خادمی مسجد برای خود دارای جایگاهی بوده که آنها به امیرالمومنین (علیه السلام) افتخار می کردند و خدا هم این جایگاه رانفی نمی کند بلکه می فرماید که ایمان به خدا و روز قیامت و جهاد در راه خدا جایگاهش بالاتر است. اما این جایگاه علاوه بر منزلت اجتماعی که در زمان قبل از اسلام داشته پس از اسلام نیز امضاء شد و نه تنها خادمی بیت الله الحرام بلکه خادمی تمام مساجد که خانه‌های خدای روی زمین اند اهمیت دارد، لذا در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به آن اشاره شده است.

## روایت اول

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «هر کس در روز پنجشنبه و یا شب جمعه مسجدی را تمیز کند و خاکهای مسجد را خارج کند حتی اگر آن خاکها به مقدار سرمه‌ای باشند که انسان به چشم خود می کشد خدای متعال آن شخص را مورد مغفرت

۱. نام کامل او عثمان بن طلحه بن ابی طلحه است و نام پدرش یعنی ابی طلحه، عبدالله بن عبد العزی بن عثمان بن عبدالدار است و ایشان چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام کلیددار خانه خدا بودند. (اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۷۲)

۲. تفسیر کنز الدقائق، ج ۵، ص ۴۱۸.

۳. سوره توبه، آیه ۱۹.

خود قرار می دهد و گناهان او را می بخشد.»<sup>۱</sup>

از این روایت مشخص می شود که پاکیزه کردن مسجد که یکی از مهمترین خدمات خادمین مسجد به مسجد است باعث آمرزش گناهان می شود. ممکن است سوال شود که آیا فقط پنجشنبه یا شب جمعه تمیز کردن مسجد این ویژگی را دارد یا اینکه هر زمان که انسان این کار را انجام دهد مورد مغفرت الهی قرار می گیرد؟ در جواب باید گفت که با توجه به روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمیز کردن مسجد بطور مطلق را دارای ثواب شمرده است که علاوه بر مغفرت پروردگار ثواب های دیگری نیز دارد که مناسب است در اینجا به آن روایت اشاره کنیم.

## روایت دوم

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کردند: «هر کس مسجدی را جارو کند ثواب کسی را دارد که بنده ای را آزاد کرده است. و هر کس از مسجد خارج کند چیزی را که به اندازه ای است که چشم را اذیت می کند - کنایه از کوچک بودن آن شیء است - خدای متعال دو بهره از رحمت خودش را به او می دهد.»<sup>۲</sup>

در توضیح این حدیث باید بگوئیم، کسی که خدمت به خانه خدا می کند و آن را جارو می کند تا نماز گزاران در آنجا به عبادت معبود خود بپردازند ثواب کسی را دارد که بنده ای در راه خدا آزاد کرده است. حال باید ببینیم ثواب کسی که بنده ای را در راه خدا آزاد کند چه مقدار است، در روایتی زراره از امام باقر علیه السلام از وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: هر کس بنده ای را آزاد کند خدای

۱. و قال رسول الله ص من كنس المسجد يوم الخميس - و ليله الجمعة فأخرج منه من التراب ما يذر في العين غفر الله تعالى له. (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۳)

۲. عن الصادق علیه السلام عن آبائه أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: من قم مسجدا كتب الله له عتق رقبه و من أخرج منه ما يقذى عينا كتب الله عز وجل له كفلين من رحمته. (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹)

متعال در مقابل هر عضو آن بنده آزاد شده عضوی از بدن شخص آزاد کننده را از آتش آزاد می‌کند. ۱. اما در مورد قسمت دوم روایت پیامبر ﷺ فرمودند که خداداد بهره‌ها از رحمتش را به او می‌دهد سوال اینجاست که مراد از آن دو بهره از رحمت خدا چیست؟ ظاهراً این عبارت حضرت اشاره به آیه ۲۸ سوره حدید دارد که خدای متعال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و به رسول خدا ایمان بیاورید که اگر این کارها را انجام دادید خدای متعال دو بهره از رحمتش را به شما عنایت می‌کند.»<sup>۲</sup> در ادامه آیه شریفه خدای متعال آن دو رحمت را اشاره می‌کند که ظاهراً مراد در این روایت شریفه آن همان دو رحمت باشد. اولین رحمت این است که برای شما نوری قرار می‌دهد که به سبب آن نور مسیر صحیح هدایت را می‌پیمائید و در روایات از این نور به امامی تفسیر شده است که به آن امام اقتدا می‌کنیم. مشاهده می‌کنیم چه فضیلتی بالاتر از این که خدای متعال بطور خاص برای انسان هادی و هدایت‌گر قرار دهد که موجب سعادت در دنیا و آخرت می‌شود زیرا در دنیا با اقتداء به آن امام عاقبت به خیر می‌شود و در آخرت نیز به همراه آن امام به بهشت می‌رود.

اما رحمت دوم خدای متعال بر خادم مسجد غفرانی است که در اثر تمیز کردن مسجد و برداشتن کوچک‌ترین چیزی از صحن مسجد نصیب انسان می‌شود. چنین معامله پر سودی را در کجای از این دنیای فانی می‌توان به دست آورد که با انجام کاری کوچک تمام اعضای انسان از آتش آزاد شود و امامی برای هدایت ماقرار داده شود و مورد غفران الهی قرار گیریم آیا تجارتهی از این پرسودتر سراغ داریم؟!

۱. قال رسول الله ص من أعتق مسلماً أعتق الله عز وجل بكل عضو منه عضواً من النار. (الكافی، ج ۶، ص ۱۸۰).  
 ۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.



## روایت سوم

امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان از امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند، کسی که مسجدی را مورد احترام و تعظیم قرار دهد در روز قیامت به لقاء خدای متعال می‌رسد در حالیکه لبهای او خندان است بخاطر نعمت‌هایی که می‌بیند و این خوشحالی دائمی است و خدای متعال نامه اعمالش را به دست راست او می‌دهد.<sup>۱</sup>

## روایت چهارم

زید الترسی<sup>۲</sup> که از اصحاب امام صادق و موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد از امام موسی بن جعفر از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: بدرستی که بهشت و حورالعین بهشتی مشتاق کسانی هستند که مسجد را جارو می‌کنند و گرد و غبار را از مسجد دور می‌کنند.<sup>۳</sup>

گاهی است که انسان کار نیکوئی انجام می‌دهد و مستحق جایزه‌ای می‌شود اما ممکن است آن جایزه از کار خوبی که انجام داده ارزشش بیشتر باشد در اینجا می‌گویند فلانی چنین کاری کرد و چنان جایزه‌ای مهم به او دادند اما گاهی کار به قدری ارزش دارد که هر جایزه‌ای بدهند باز هم به ارزش کار انجام شده نمی‌باشد در این روایت هم تعبیر نشده که اگر مسجد را تمیز کردید به بهشت و حورالعین می‌رسید بلکه تعبیر شده که حورالعین و بهشت مشتاق کسی هستند که این عمل را انجام می‌دهد معلوم می‌شود که فضیلت عمل بسیار بالاست که این نعمت‌های بهشتی مشتاق هستند نصیب چنین کسی شوند.

۱. عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ مَنْ وَقَرَ مَسْجِدَ لَيْلَى اللَّهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا وَأَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ. (المحاسن البرقی، ج ۱، ص ۵۴).

۲. نرس یکی از روستاهای شهر کوفه است که ایشان اهل این روستا بوده‌اند

۳. زید الترسی فی أصله، قال سمعت أبا الحسن علیه السلام يحدث عن أبيه: أن الجنة و الحور لتشتاق إلى من يكسح المسجد أو يأخذ منه القذى. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۸۴)

## روایت پنجم

روایت دیگری که در مورد فضیلت جارو کردن مسجد وارد شده است روایت مفصلی است که در آن عبدالله بن مسعود از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «کسی که دوست دارد هنگامی که در قبر خود قرار می‌گیرد بدنش را کرم‌های داخل قبر متلاشی نکنند مساجد را تمیز کند و کسی که دوست دارد به تاریکی قبر دچار نشود مساجد خدا را نورانی کند و در مسجد چراغی روشن کند.»<sup>۱</sup>

## روایت ششم

روایاتی که تاکنون داشتیم فضائلی را در مورد خادمین مسجد بیان می‌کرد که بیشتر آنها مربوط به آخرت بود و بعضی هم اشاره به رحمت‌هایی که در دنیا نصیب خادم مسجد می‌شود اشاره داشتند اما در این روایت ویژگی‌هایی که در عالم قبر مخصوص خادمین مساجد است را بیان می‌کند.

در یکی از آن روایات انس بن مالک از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «هر کس در مسجدی از مساجد الهی چراغی را روشن کند پیوسته ملائکه خدای متعال و حاملین عرش الهی تا زمانی که نور آن چراغ در مسجد باشد برای آن شخص استغفار می‌کنند.»<sup>۲</sup>

این استغفار ملائکه که عرش الهی که مرکز فرماندهی جهان است را حمل می‌کنند چیست؟ اگر در طول ۲۴ ساعت بهترین ملائکه الهی که معصوم هستند برای انسان چنین دعا کنند آیا دعایشان مستجاب نمی‌شود؟ و چه رستگاری بالاتر از اینکه خدای متعال برای انسان آن را رقم بزند؟ حقیقتا چه منصبی از مناصب دنیا را سراغ داریم که این مقدار عظمت داشته باشد و با

۱. من أحب أن لا تأكله الديدان تحت الأرض فليكنس المساجد و من أحب أن لا يظلم لحده فلينور المساجد. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۸۵)

۲. انس قال قال رسول الله ص من أسرج في مسجد من مساجد الله سراجا لم تزل الملائكة و حملة العرش يستغفرون له مادام في ذلك المسجد ضوء من السراج. (بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۵)

کدامیک از نعمت‌های دنیوی این نعمت الهی قابل مقایسه است؟!

### روایت هفتم

در روایت دیگری از رسول الله ﷺ نقل شده که حضرت فرمودند: «هر کسی یک شب چراغی را در مسجدی روشن کند خداوند متعال گناه هفتاد سال او را می‌بخشد و برای او ثواب یک سال عبادت را می‌نویسد و خدای متعال برای او شهری در بهشت قرار می‌دهد. حال اگر آن شخص شب دیگری نیز چنین عملی را انجام دهد در مقابل هر شبی که این کار را انجام دهد ثواب نبی‌ای از انبیاء الهی را دارد و اگر این عمل تا ده شب ادامه پیدا کند دیگر اگر همه جمع شوند تا جایگاهی را که این شخص در نزد خدا به دست آورده وصف کنند، توان محاسبه آن را ندارند و اگر این عمل او تا یک ماه به طول بیانجامد خدای متعال بدن چنین شخصی را بر آتش حرام می‌کند.»<sup>۱</sup>

« منبع: گزیده‌ای از مقاله خادم مسجد، حجت الاسلام ابوالفضل ابراهیمی

۱. عن النبی ص: من أدخل لیلہ واحده سراجا فی المسجد غفر الله له ذنوب سبعین سنه و کتب له عبادہ سنه و له عند الله مدینہ و إن زاد علی لیلہ واحده فله بكل لیلہ یزید ثواب نبی فإذا تم عشر لیلال لا یصفه الواصفون ما له عند الله من الثواب فإذا تم الشهر حرم الله جسده علی النار. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۸۵)



« چهار صد غزوه با پیامبر، اخلاص؛  
عامل قبولی اعمال



همیشه در این فکر بودم چگونه به عنوان خادم مسجد، کاری انجام دهم که افزون بر انجام وظیفه، خشنودی خدا را نیز به همراه داشته باشد. در تابلوی مخصوصی که برای احادیث در مسجد نصب شده بود؛ روایاتی درباره بزرگداشت مسجد می خواندم، از جمله اینکه رسول خدا ﷺ فرموده اند: «هر کس در روز پنجشنبه یا شب جمعه، مسجدی را جارو کند و خاک آن را برود و بیرون ببرد، حتی اگر به مقدار سرمه چشم باشد، خداوند گناهان او را می بخشد».<sup>۱</sup> یادار روایتی دیگر فرمودند: «کسی که مسجدی را جارو زند، همانند این است که در چهار صد غزوه با پیامبر همراهی کرده، چهار صد حج انجام داده، چهار صد بنده آزاد کرده و چهار صد روز روزه گرفته باشد». یادار به کسی که چراغ مسجد را روشن می کند، فرمودند: «کسی که در یکی از مساجد خدا چراغی روشن کند، فرشتگان و حمل کنندگان عرش خداوند تا زمانی که نوری از آن چراغ در آن مسجد باشد، پیوسته برای او استغفار می کنند».<sup>۲</sup>

با خودم گفتم اگر این همه پاداش برای خدمت به مسجد است، پس جایگاه

۱. ترجمه ثواب الأعمال، ص ۱۰۰.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۹.

ویژه‌ای نزد خدا دارم.

رسیدن به این جایگاه نیازمند پرسش بود و برای آگاهی از آن، خدمت حاج آقا عبدالله زاده، روحانی مسجد رفتم تا از او در این باره سؤال کنم. پس از سؤال حاج آقا گفت: شهید بزرگوار، محمدابراهیم همت می‌گفت: برای اینکه خدا رحمت و لطف و آمرزشش را شامل ما بگرداند، باید اخلاص داشت. پس تا اخلاص در کار نباشد، از این پاداش الهی خبری نیست؛ یعنی اگر شما کار را برای رضای فلان شخص از هیئت امنای مسجد انجام دهی و خشنودی پروردگار را طلب نکرده باشی، دیگر کارت ارزشی ندارد.

اخلاص، یعنی انگیزه اصلی در کارها، بندگی، شایستگی و رضای خدا باشد، نه شایستگی و رضایت غیر او.

## « موانع اخلاص

سپس حاج آقا بیان داشت که در روایات به اخلاص بسیار اشاره شده است؛ برای نمونه، آدم‌های با اخلاص سروران اهل بهشت هستند و با وجود اخلاص، اعمال انسان به درگاه خدا بالا می‌رود؛ بنابراین باید موانع اخلاص را در خود از بین ببریم که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنم:

### ۱) ریاکاری

بیشترین موارد نبود اخلاص که مردم به آن گرفتارند، ریاکاری، جلب خوشایندی دیگران، خودستایی، شهرت‌طلبی و ریاست‌طلبی است.

### ۲) دلبستگی به دنیا

دلبستگی به دنیا سبب می‌شود همه زندگی آدمی و حتی بندگی خدا، ابزاری برای دسترسی و برخورداری بیشتر از دنیا باشد.



### ۳) شیطان

این شیطان است که ریا، دنیا و هر امر زشت و بدی را برای آدمی محبوب و زیبا جلوه می‌دهد.

### « راه‌های دستیابی به اخلاص

اما شیوه‌های دسترسی به اخلاص چیست؟

#### ۱) تقویت ایمان و شناخت خدا

شناخت خدا با همه صفات او حالت ترس، فروتنی و خودباختگی در آدمی به وجود می‌آورد که مبادا دچار عذاب دنیوی و اخروی یا بی‌بهره‌گی از دیدار حق تعالی شود.

#### ۲) فکر کردن به ارزش اخلاص

این نوع تفکر، مایه‌رهایی از حساب روز قیامت، موجب برخورداری از پاداش‌های بی‌پایان اخروی و باعث عدم تصرف شیطان در آدمی است.

#### ۳) فکر کردن درباره ضررهای اخلاص نداشتن

از مجموع روایات درباره آثار ریا و عدم اخلاص برمی‌آید که ریا و عدم اخلاص نوعی کفر، شرک، نفاق، نیرنگ با خدا، مایه خشم او، عدم قبولی اعمال، شفاعت و اجابت دعا است.

#### ۴) احساس عجز و کوتاهی در بندگی

انسان در عین بندگی و اخلاص، باید خود را عاجز تر از آن بداند که بتواند اخلاص در بندگی را به‌جا آورد.

#### ۵) دعا

ابزاری است برای حل گره‌ها و دردهای دنیوی و معنوی. برخی نیازهای اساسی

و ابدی آدمی، جز از راه بندگی و دعا به دست نمی آید. چه نیازی بالاتر از اخلاص در بندگی؟ از این رو امام سجاد (علیه السلام) از خداوند عاجزانه خواستار اخلاص در بندگی هستند: «خدا یا همه این (اعمال) را از ریای ریاکنندگان خالص بگردان تا کسی را شریک تو قرار ندهیم و جز تو خواسته ای برنگزینیم».

سخنان حاج آقا به پایان رسید و پس از آن گفت: برای خالص شدن در کار و بهره بردن از پاداش های خدمتگزاری به مسجد، باید کار را به خوبی انجام داد و سختی های کار را با نگاه به رضای خدا تحمل کرد تا تنها خریدار کار خالصانه شما، خدا باشد.

« نویسنده: جواد نیرومند

## « قرآن و قلب خادمان

بررسی آثار و برکات حضور

قرآن در زندگی خادم



وارد مسجد می‌شوم و گوشه‌ای می‌نشینم. چند دقیقه‌ای تا اذان باقی مانده و مسجد کاملاً خلوت است. این اولین بار است که به این مسجد می‌آیم. خادم مسجد مشغول باز کردن پنجره‌ها و روشن کردن چراغ‌ها است و در همان حال که کارش را انجام می‌دهد، زیر لب چیزی زمزمه می‌کند. سَنَس زیاد نیست، هر چند چندان جوان هم نیست. به نظر می‌رسد آدم آرام و خوش قلبی باشد. نزدیک تر که می‌آید، گوشم را تیز می‌کنم و متوجه می‌شوم آیاتی از قرآن را می‌خواند. به یاد سال‌ها پیش می‌افتم؛ وقتی که برای فراگیری قرآن به همراه بقیه بچه‌ها به مسجد محله مان می‌رفتم و وقتی کلاس قرآن شروع می‌شد، خادم مسجد هم که یک پیرمرد بی‌سواد بود، می‌آمد و همان دم در می‌ایستاد و با ما قرآن خواندن را تمرین می‌کرد. بله، بسیاری از خادمان مساجد به حفظ و قرائت قرآن و آشنایی با مفاهیم ارزشمند آن، اهتمام و جدیت دارند و این نشان دهنده یک رابطه عمیق و پر مفهوم است.

انس و علاقه خادم مسجد نسبت به قرآن، به هر شکل‌اش، برای من معنای مهم و جالبی دارد. حتی می‌توان رابطه‌ای را که قلب خادم مسجد با قرآن برقرار می‌کند، به رابطه فرزند با مادرش شبیه دانست؛ خصوصاً از این جهت که مسجد

خانه قرآن است و خادم مسجد، پیوسته در خدمت قرآن و تعالیم و آموزه‌های آن قرار دارد؛ بنابراین مانند فرزندی است که عاشقانه به مادرش خدمت می‌کند و از هر طرف که برود، نهایتاً نزد او برمی‌گردد و آرامشش را در او می‌جوید.

اجازه بدهید از یک زاویه دیگر هم به رابطه خادمان مسجد و قرآن نگاه کنیم. کار خادم مسجد، یک کار مقدس و از جهتی شبیه پیشوایان و معلمان و مربیان دینی است؛ از این جهت که همه آنها سعی می‌کنند زمینه را برای هدایت انسان‌ها و ارتباط آنها با خداوند فراهم کنند. خادم مسجد هم با تلاشی که در خدمت به مسجد و نمازگزاران دارد، به گونه‌ای همین کار را انجام می‌دهد و زمینه را برای برپایی نماز و سایر فعالیت‌های مسجد آماده می‌سازد. اما این شباهت باید از جهت دیگری هم تقویت شود.

همه کسانی که به دین خدمت می‌کنند، از پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام گرفته تا سایر مبلغان و مروّجان دین، به اندازه رسالتی که برعهده دارند، با خدای متعال و کلام او ارتباط برقرار می‌کنند و به‌خصوص از کلام الهی یعنی قرآن کریم بهره می‌گیرند. معصومین؟ عهه؟، به دلیل همین پیوند ناگسستنی با قرآن، از رازهای آن باخبرند و مفسران حقیقی آن شمرده شده‌اند. در مورد انسان‌های معمولی نیز هر چه این ارتباط با کلام الهی بیشتر باشد، در خدمت به دین خدا، موفق‌تر خواهند بود، چه عالمان دینی باشند و چه خادمان عزیز مساجد.

انس و ارتباط با قرآن را باید در هر اندازه و شکلی که برای ما امکان دارد، دنبال کنیم و به تدریج آن را افزایش بدهیم. اگر فعلاً رابطه مادر حدّ شنیدن است، سعی کنیم خودمان هم قرائت روزانه داشته باشیم و اگر مشکلی در قرائت داریم، آن را برطرف کنیم. اگر اهل قرائت قرآنیم، آن را با فهم آیه‌ها و خواندن ترجمه و حتی تفاسیر قرآن تکمیل کنیم تا به تدریج نور قرآن را بیشتر و بیشتر

در قلب خود و در لحظه لحظه‌های زندگی احساس کنیم.

خادمان مسجد، فرزندان قرآن‌اند و مانند فرزندی که در کنار مادرش احساس آرامش می‌کند، در انس با قرآن می‌توانند دل خود را زنده سازند و به آرامشی فوق‌العاده دست یابند. حتی باید گفت: خادمانی که سعی کرده‌اند با قرآن گره بخورند و در زندگی شخصی‌شان با قرائت قرآن و معارف آن مأنوس باشند، از کار و شغل خود و از انجام وظایف مقدسی که بر عهده دارند، لذت بیشتری می‌برند. چرا که انس با قرآن، محبت به آن را افزایش می‌دهد و انسان از خدمت به محبوب خود لذت می‌برد.

کسانی که انس با قرآن را تجربه کرده‌اند، به خوبی می‌دانند که این موهبت الهی، حتی برای زندگی مادی آنها، سرشار از خیر و برکت بوده است.

« نویسنده: حسین شعاعی »





« قوی و قدرتمند!

نقش خادم در احیای کارکردهای مساجد



شاید این خاطره را شنیده باشید؛ در سفری امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ همراه با کاروانی برای زیارت امام رضا رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به مشهد رفتند. نماز و زیارت ایشان یک ربع بیشتر طول نکشید؛ در حالی که سایر افراد کاروان، حدود دو ساعت در حرم امام رضا رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بودند. علت را که از امام پرسیدند، فرمود: اینکه برای زائران امام رضا رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ غذایی آماده کنیم، ثواب بیشتری دارد. گوهر ناب و ارزشمندی که امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بدان توجه داشتند، خدمت به زائران امام رضا رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بود.

در روایتی امام حسین رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ می فرماید: «أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُورَاءُ اللَّهِ...؛ اهل مسجد، زائران خدا هستند». حال سؤال این است: اگر خدمت به بارگاه رضوی و زائران او افتخار دارد، که دارد، و اگر امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و مردمان وارسفته، لباس خادم افتخاری آن بارگاه را بر تن می کنند، خدمت به بارگاه الهی و زائران خداوند در مساجد چگونه است؟

باید جواب داد: چه شرافت بزرگی! خدا کسی را که دوست دارد، خادم مسجد می کند. این، نعمتی است که فقط نصیب انبیای و اولیای بزرگ الهی می شد. آیا زکریای نبی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ خادم مسجد نبودند؟ آیا قرآن از زبان یک مادر نفرموده

است: «من نذر کردم فرزندم خادم مسجد شود» و آیا آن مادر فرزندش را که دختری بود، «مریم» یعنی «خادمه» نام نهاد؟ آیا خداوند متعال به ابراهیم و اسماعیل (علیهما السلام) توفیق عظیم خادمی را عطا نکرد؟ آیا به آنها نافرمود: «خانه من (مسجد الحرام) را برای طواف کنندگان و معتکفان و نماز گزاران، تطهیر کنید.»؟

این بزرگواران به خوبی می دانستند خدمت به مؤمنان و عبادت کنندگان در گاه الهی، شریف ترین عبادت است و محبوب ترین مردم نزد پروردگار، پرمفعت ترین آنان برای برادران مؤمن اند.

حال ما که همچون انبیا به شرافت خادمی خانه خدارسیده ایم، باید بدانیم قوی کردن مسجد از وظایف مهم و اصلی ماست. اگر به فرموده بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی رضی الله عنه، مساجد رمز پیروزی ملت ایران بود، قدر تمند شدن مساجد، این پیروزی را تداوم خواهد داد. اگر مساجد قوی باشند و همچنان پایگاه جذاب معنویت، اخلاق و سیاست باقی بمانند، هیچ نیرویی نمی تواند به انقلاب ضربه بزند.

اگر بپرسیم چگونه می توان مسجد را قوی کرد و نقش ما خادمان در قدر تمند کردن مساجد چیست؟ پیش روی ما آیه ۱۱۴ سوره بقره را قرار خواهند داد. قرآن به هر جنایتکاری، ظالم می گوید؛ اما در این آیه به کسی که کاری کند مسجد خلوت شود، می گوید: «أَظْلَمَ». آیه می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ»؛ ظالم ترین انسان، کسی است که مساجد را خلوت کند.

خلوت کردن مساجد راه هایی دارد. گاهی امام جماعت، حمد و سوره اش را درست نمی خواند یا طولانی می خواند، گاهی هم من خادم در نظم، اخلاق، بهداشت و ... کم می گذارم. اگر جلوگیری از مسجد و خلوت کردن آن، انسان را ظالم ترین و اظلم می کند، پس رونق مسجد و پرجمعیت کردن آن، انسان

رانیکو کارترین و «احسن» خواهد کرد؛ چون اظلم در مقابل احسن است و ظالم ترین در مقابل نیکو کارترین.

بدین ترتیب روشن می شود اگر من خادم کاری کنم مسجد خلوت شود، آن راضعیف کرده ام؛ و چنانچه کاری کنم رونق یابد و پررفت و آمد شود، قوی و قدرتمندش ساخته ام.

من می دانم جوهر و ذات مسجد ذکر خدا و نماز است. پس اگر هر کاری در مسجد انجام می دهم که برای پررونق و پرجمعیت کردن آن است، یعنی می خواهم ذکر خدا را در مسجد افزایش دهم. قوی شدن مسجد به ذکر بیشتر است و ذکر بیشتر با حضور مؤمنان بیشتر محقق می شود. شاید به همین دلیل که اصل در مسجد بر شلوغی و ذکر بیشتر است، اسلام می فرماید ثواب نماز در مسجدی که ده نفر کارگر در آن نماز جماعت می خوانند، بیشتر است از مسجدی که نه نفر مرجع تقلید در آن نماز می خوانند.

حال که مسجد باید قوی باشد و قرآن می فرماید: «يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا»؛ باید در مساجد زیاد ذکر خدا گفته شود و من خادم به هر شکلی که بتوانم، برای پُر کردن مسجد اقدام کنم. اگر جوانم، دوستی با اهل محل و به ویژه جوانان و نوجوانان را افزایش می دهم تا بتوانم پای آنها را به مسجد بگشایم. اگر سن و سالی از من گذشته است و گرد پیری بر سر دارم و نمی توانم با جوان ها ارتباط برقرار کنم، دستیار و شریکی می گیرم و با کمک او مردم و جوانان را به مسجد جذب می کنم. گاهی ما همچون لوله هشت آب فراوانی را منتقل می کنیم و جوان نوجوان ظرفیتی بیشتر از لوله دو ندارد. اینجاست که شریک و دستیار مانند زانویی لوله عمل می کند و ما را به هم پیوند می دهد تا مساجد رونق گیرد.

برای شلوغ شدن مسجدها می توان این راه را از قرآن برداشت نمود: به موسی

گفتند: نزد فرعون برو. گفت: تنهایی نمی توانم. هارون هم بیاید. «هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي»؛ او بیانش از من بهتر است. «وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي»؛ او را شریک کار من کن. «كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا»؛ تا ذکر تو را زیاد بگوییم و زیاد تسبیح نمايیم.

با این فرمول، ما خادمان مساجد اگر در جذب مردم و جوانان ضعیفی داریم و می خواهیم ذکر و یاد خدا در مسجد زیاد باشد، باید شریک بگیریم. شاید به تنهایی جذب بالایی برای مسجد نداشته باشیم، اما اگر با یک معلم، با یک کاسبِ مردمدار با یک جوان فعال دانشگاهی و ... شریک شویم، آنگاه موفقیت همراه ما شود.

ما که همچون انبیا به شرافت خادمی خانه خدا رسیده ایم، می دانیم باید کاری کنیم که مساجد رونق پیدا کند و پررفت و آمد شود. این راه قوی و قدرتمند کردن مسجد است.

« نویسنده: محمد گلستانی

## « خدمت گزاران زنده

نقش خادم در شکل گیری

مسجد تراز اسلامی





آنجا که سنگ بنایش با نام خدا گذاشته می‌شود و مردمان با یاد خدا در آن حاضر می‌شوند، عبادتگاهی است به نام «مسجد». حتماً درخت را دیده‌اید؛ اگر آب نخورد، برگ‌هایش می‌ریزد، پژمرده و بی‌طراوت می‌گردد و در نهایت می‌میرد. مسجد نیز این چنین است! اگر نور هدایت در آن نباشد، بی‌رمق، خالی و در نهایت ویران و مرده می‌شود.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «زمانی بر مردم می‌آید که در میان ایشان، از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی، باقی نمی‌ماند. در آن روزگار مسجدهای آنان از جهت ساختمان آباد است، اما از جهت هدایت خراب و ویران است.»<sup>۱</sup>

انسان‌های آگاه و باتجربه، با خواندن چنین فرمایشاتی، آبادی حقیقی مسجد را در هدایت‌گری آن می‌بینند؛ البته خدمت‌گزاران دلسوز مساجد نیز، از این دسته محسوب می‌شوند. لذا خدمت خود را در جهت هدایت‌گری هر چه بیشتر مسجد قرار می‌دهند و آنچه برای شان مهم است، جلادادن و روشن کردن باطن مسجد است و تنها به ظاهر آن اکتفا نمی‌کنند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱.

خادم مسجد بانیت خدمتگزاری، نه تنها به خانه خدا خدمت می کند، بلکه نیازهای مسجیدیان را دارای اولویت و اهمیت می بیند و بالاترین این نیازها را هدایت هر چه بیشتر ایشان می داند. بنابراین با تلاش و پشتکار، به افزایش دانش و مهارت خود می پردازد و بردباری، صداقت، وفای به عهد، امانت‌داری و شجاعت را سرلوحه کار خویش قرار می دهد تا علاوه بر آبادی ساختمان مسجد، «مسجدی‌ها» را نیز آباد گرداند.

با این نگاه، توباپوشیدن ردای خادمی، مسجد را با تحریک، پویا و زنده می پسندی. زنده بودن مسجد را هم به «مسجدی‌های» سرزنده و زیاد شدن نماز خوان‌ها ربط می دهی. مسجد را عبار روبروی می کنی، جارو می زنی، چراغ‌هایش را تمیز و روشن نگه می داری، بلندگو و سیستم صوتی‌اش را مرتب می کنی و مردم را از شر سوت و خش خش آن در امان نگاه می داری، مظهرهای شکسته و سیاه آن را عوض و قفسه‌های کتاب قرآن و کتاب‌های دعا را منظم می کنی، الفت، محبت، احترام و اعتماد را گسترش و نشر می دهی، خلاصه جذابیت را هر چه بیشتر می کنی تا فرمان و دستور پروردگار که «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ...»<sup>۱</sup> محقق شود و آبادی حقیقی با این زمینه‌سازی‌ها حاصل شود.

تو که مانند انبیاء و اولیاء، توفیق خدمت به خانه خدا را پیدا کرده‌ای، خوب می دانی هر چه بر جذابیت مادی و معنوی مسجد بیفزایی، بستر زنده بودن مسجد و حضور مسجدی‌ها، بستر معرفت، تقوا، عمل صالح و یاد پروردگار را آماده‌تر ساخته‌ای و مسجد را آبادتر! خوب می دانی که خدمت و کار تو در رونق مسجد و در افزایش هدایت‌گری آن، چقدر اثر گذار و مهم است.

تو به دنبال رفت و آمد هر چه بیشتر مردمان به مسجد و مسجدی شدن آنهاپی،

۱. مساجد الهی را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را بر پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد،... «سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸».

زیرا کلام حضرت علی (علیه السلام) را پیش چشم خود گذاشته‌ای که فرمود: «هر کس که به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از هشت چیز می‌رسد: ۱. برادری دینی که از او در رسیدن به امور خدایی، بهره‌مند می‌شود. ۲. دانش و نکته حکمت‌آمیز می‌آموزد. ۳. آیت و نشانه‌ای محکم به دست می‌آورد. ۴. رحمتی مورد انتظار، شامل او می‌شود. ۵. سخنی که او را از هلاکت باز می‌دارد، فرامی‌گیرد. ۶. کلامی می‌شنود که او را به هدایت رهنمون می‌شود. ۷ و ۸. گناهی را به خاطر ترس از خدا یا از روی شرم و حیا، ترک می‌کند.»<sup>۱</sup>

با این نگاه، تا تو زنده‌ای و در تکاپو و حرکت، تازمین مسجد را برای کاشت بذرهای هدایت آماده می‌کنی، مسجد زنده است و جذاب، آباد است و برقرار!

« نویسنده: محمد میری »

۱. اُمالی شیخ صدوق، ص: ۳۹۰.



« به جای صاحب‌خانه!

نقش خادم در احیای کارکردهای

مساجد و بازشناسی آنها



دلَم از همه پُر بود! به هر کس رو زده بودم، مرهمی بر دست خالی ام نگذاشته بود. اجاره خانه، هزینه خورد و خوراک، قرض‌ها و قسط‌ها، همه و همه کوهی شده بود که گرده ام در زیرش در حال شکستن بود.

می دانستم باید صبر کنم و پیمانۀ تو کلم را لبریز گردانم؛ اما ضعف و سستی‌ای در اراده خود می دیدم که مانع از حلم‌ورزی می شد. مثل آنکه بدانی باید بدوی؛ اما ضعفِ گرسنگی تو را از دویدن باز دارد. چاره را در سیری روح دیدم و به مسجدی وارد شدم.

خادم میان سال، مشغول گردگیری از چراغ‌های مسجد بود. با خود گفتم: خوشا به حالش! اگر قرار باشد کسی به بخشیده شدن گناهان هفتادساله برای یک شب روشن نگه داشتن مسجد<sup>۱</sup> برسد، او همین خادم است. جلوتر رفتم و بی مقدمه سفره دلَم را پیش او گشودم. از غول‌نداری و بختک‌گرفتاری گفتم. آخر سر هم از او خواستم اگر می‌تواند از صندوق قرض‌الحسنه مسجد، مبلغی برایم دست و پا کند.

۱. ر.ک: شعیری، جامع‌الخبار، ص ۷۱.

خوب به حرف‌هایم گوش کرد، بعد نگاه‌مهربانی به من انداخت و گفت: «اخوی، تو مگر نیامده بودی غذایی به روح خود بخورانی و سستی اراده‌ات را درمان کنی؟! مگر نمی‌خواستی جام توکلت را سرریز کنی و گام صبرت را محکم سازی؟!».

یکه خوردم و گفتم: «شما از کجا خبر دارید؟! این فکر ساعتی است که به ذهنم آمده و با کسی در مورد آن صحبت نکرده‌ام». از جواب طفره می‌رفت و می‌گفت: «مقصود این است که شما به حلم‌ورزی برسید، مابقی اهمیتی ندارد!». دست از سرش برنداشتم و مصرّانه از او خواستم راز باطن بینی‌اش را فاش سازد.

سرانجام این چنین جواب داد: «در عهد جوانی، دایی‌ام خادم این مسجد بود. گاهی من هم با او به مسجد می‌آمدم. روزی جلسه‌ای با امام جماعت و هیئت‌امنا داشت تا درباره فعالیت‌های مسجد در ماه محرّم و صفر صحبت و برنامه‌ریزی کنند. من هم آمدم و گوشه‌ای نشستیم. امام جماعت رو به جمع کرد و گفت: روایت داریم هر کس چهل روز اعمالش را خالص برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت از قلبش برزانش جاری می‌شود<sup>۱</sup>، مادر این دو ماه محرّم و صفر فرصت مناسبی داریم تا هم خودمان و هم دیگران را به این امر دعوت کنیم و خیر خواهشان باشیم.

آقا! در آن شرّ و شور جوانی این روایت ما را به مبارزه طلبید و ما هم کمر همت را بستیم تا چله اخلاص بگیریم و گرفتیم. این شد که نهان مردم برایمان روشن است». حاج و واج بودم و متفکر! چه باید می‌کردم؟! از مسجد که خارج شدم، آرام بودم و احساس می‌کردم، اراده‌ام پولادین است.

این داستان اثر گذاری بالای خادمان مساجد را به خوبی نشان می‌دهد. خادمی

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲.



مؤمن، در کمال سادگی توانسته بود غذای روح یک انسان گرفتار را تأمین کند و آرامش را به او هدیه دهد.

در حدیثی قدسی، مساجد چنین تصویر شده‌اند: «همه آگاه باشند، مساجد خانه‌های من در روی زمین هستند. خوشابه سعادت کسی که از خانه خود آماده می‌شود تا به خانه من و برای دیدار من بیاید. بدانید اگر کسی به مسجد بیاید، پذیرایی از او با من است»<sup>۱</sup>.

از اینجا معلوم می‌شود مقامی بالاتر از خادمی مسجد نیست. اینجا است که معلوم می‌شود چرا در قرآن آنجا که می‌خواهد از شأن و منزلت خادمان مسجد بگوید، این کار را به ابراهیم خلیل، پسرش اسماعیل، زکریای نبی و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مرتبط می‌کند.

گویا سرّی در این میانه نهفته است! سرّی که با همه کس نشاید گفت! اگر مسجد منزل خدا است و میزبانی از مهمان مسجد با خدا است، پس خادم مسجد به تجلی الهی به جای صاحب‌خانه از مهمان پذیرایی می‌کند. این، همان طور که افتخار دارد و مایه مباهات و سربلندی است، نگاه وسیع و همه‌جانبه کسانی را می‌طلبد که خدمت‌گزاری خانه خدا نصیبشان شده است. این، دقت هر چه بیشتر خادمان به کارکردهای مختلف مسجد و تلاش در جهت تأمین آنها را به همراه دارد. این، توجه تمام وقت به امور مسجد را می‌طلبد تا پذیرایی در خانه خدا به درستی صورت گیرد و احتیاجات مادی و معنوی مهمان برآورده شود.

و خادم داستان پیشین چه خوب، این نگاه وسیع، این دقت و این توجه را پیش روی چشم ما قرار می‌دهد.

اگر قرار است انسان با عبودیت، خلیفه و جانشین خدا در زمین شود، خادم

۱. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۱.

مسجد، با خدمتش، کارش، اخلاق و رفتار شایسته‌اش، ابتکارانش، تمرکز دائمی‌اش بر کارکردهای مسجد و گسترش آنها، با نگاه همه‌جانبه‌اش، در مسیر عبودیت است و به جانشینی خدا در خانه نورانی‌اش می‌رسد.

در حدیث معراج، پیامبر ﷺ فرمودند: «من بر در ششم بهشت دیدم که نوشته شده بود: اگر کسی می‌خواهد پیکرش پس از مرگ از دسترس موجودات در امان بماند و دوست دارد بدنش خوراک کرم‌های زیر خاک نشود، مسجدها را جارو کند»<sup>۱</sup>.

و همچنین فرمودند: «هر کس چراغی را در مسجدی از مسجدهای خدا بی‌فرورد، تا زمانی که نوری از چراغ در آن مسجد باشد، ملائک و حاملان عرش پیوسته برایش طلب آمرزش می‌کنند»<sup>۲</sup>.

آیا عنایاتی الهی از این دست، برای خادم مسجد این سؤال را پیش نمی‌آورد که: کدام انسان عاقل و فرهیخته‌ای با وجود امکان دستیابی و رسیدن به چنین جایگاه و شأنی، خود را از آن محروم می‌کند؟! آیا او از خود نمی‌پرسد: اگر برای کارهایی سطحی مثل جارو کردن و افروختن چراغ، این همه اجر می‌دهند، برای کارهایی عمیق‌تر مثل خلاقیت در جذب هر چه بیشتر نوجوانان و جوانان و کمک به آنها در تطهیر جانشان چه اجر می‌دهند؟!

اما مساجد چه می‌گویند؟ به آنها که گوش کنیم، با ما چنین می‌گویند: «هر کسی شایسته خادمی نیست و لیاقت این کار را ندارد. خادم آن کسی است که دل خود را خانه مهر و محبت مؤمنان کرده است. آن کسی است که دلی وارسته از منیت دارد. در این گونه دلی، گوهر خدمتگزاری یافت می‌شود».

می‌گویند: «خدا و اولیا و کار خادمی را بزرگ می‌شم‌رند. مبادا خادمی، نوع

۱. ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۴۵.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸.

نگاهش، نحوه رفتارش، سخن جاری بر زبانش و... از دست کم گرفتن کار خدمتگزاری حکایت کند. برعکس؛ باید طوری رفتار نماید که دیگران غبطه کار در مسجد را بخورند و در آرزوی خادمی مسجد باشند. باید عاشقانه، مجاهدانه و هنرمندانه به خدمت پردازند و به دنبال «بهترین شدن» باشند. مگر نه این است که «بهترین مردم» و «خَيْرُ النَّاسِ» کسی است که مردم از او بهره ببرند؟<sup>۱</sup>

می گویند: «خادمی، جریزه‌های خاص می خواهد. خادمی، عشق به پاکی و طهارت مادی و معنوی میهمانان مسجد را می خواهد. خادمی، افزایش معلومات و مطالعه فراوان می خواهد. خادمی، خوش خلقی، رفتاری پیامبرگونه و آراستگی جسم و جان می خواهد. در یک کلام خادمی، مهارت‌افزایی برای جذب حداکثری مردم و جوانان به مسجد و نشر هر چه بیشتر معارف راستین اسلام را می خواهد.»

می گویند: «آبادی ما به حضور پررنگ مردم است. پس ای خادمان، رابطه‌تان را با آنها بیشتر و بیشتر کنید و ایشان را به دیدار پروردگارشان مشتاق سازید.»  
حقیقت گویا همین است که خادمان مطلوب خدا، خادمانی همچون مریم، زکریا، اسماعیل، ابراهیم، رسول اعظم (ﷺ) فقط یک سخن بر زبانشان جاری است: «ما به جای صاحب‌خانه‌ایم!».

« نویسنده: عباس میر محمدیان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۳.



« ما خادمان مساجدیم!

نقش خادم در تحقق نقش های

تربیت اجتماعی مسجد



«جر جی زیدان» نویسنده مسیحی عرب می نویسد:

«همان طور که مسجدهای مسلمانان، مرکز اجتماع و پناهگاه غریبان و بیماران می باشد، این مراکز، مهد تعلیم و تربیت نیز بوده است. در کوچک ترین مسجد، کودکان را آموزش می دهند و مسجدهای بزرگ گاهی به اندازه دانشگاه های اروپا، دارای ارزش و اهمیت است.»

ما؛ خوب می دانیم مسجد علاوه بر اینکه محل عبادت، نماز و دعا است، باید پاسخگوی نیازهایی مشخص و ویژه هم باشد. مثلاً پاسخگوی شبهات جوانان باشد. باید شبهه جوان را برطرف کرد و گرنه شاید از دست برود. آدم شبهه دار مانند آدم تیر خورده است. باید تیر را از بدنش بیرون کشید. ما حتی به فکر کسانی هستیم که سالی یک بار و آن هم در شب قدر به مسجد می آیند. به همین دلیل است که از امام جماعت مسجد، شماره تلفن چند اسلام شناس را می گیریم تا به انسان های زخم خورده از تیر شبهات بدهیم.

ما؛ برای بچه ها هم فکر می کنیم. می دانیم بچه کوچک، تحمل دعای طولانی را ندارد. لذا قصه های آموزنده آماده می کنیم یا تافکی در نظر می گیریم که بچه ها در آن بازی کنند یا برای آنها شعر و سرود دینی می خوانیم. «من راست می گم

همیشه، دروغ سرم نمی‌شسه» یا «ساداتی الائمه، بابُ نَجَاهِ الْأُمَّةِ، أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ،  
آخرهم مهدی» و ... که خوراک بچگانه دست پخت ماست و این خوراک را در  
مسجد عرضه می‌کنیم.

ما؛ اگر در مسجدی باشیم که استادان دانشگاه به آن می‌آیند، باز هم برنامه‌هایی  
ویژه داریم. مثلاً هر هفته یک حدیث مربوط به علم و دانش را از امام جماعت  
مسجد می‌خواهیم و آن را به طور شایسته در مقابل دید آنها قرار می‌دهیم.  
ما؛ بلند همتیم و به اندازه خودمان برای انواع نیازها، انواع پاسخ‌ها را در مسجد  
عرضه می‌کنیم. من و تو؛ باور داریم مسجد، مرکز تعلیم و تربیت است. من  
و تو؛ کلام علی (علیه السلام) را پیش چشم خود گذاشته‌ایم که فرمود یکی از برکات  
رفت و آمد به مسجد «عِلْمٌ مُسْتَطَرَفٌ» یعنی دانش و نکته حکمت‌آمیز، یعنی  
حرف تازه است.

ما؛ نمی‌پسندیم جلسات معرفتی و معنوی مسجد فقط در مناسبت‌ها برگزار  
شود. مثلاً در دهه اول محرم، منبر و روضه باشد، اما چند ماه بعد، هیچ خبری از  
سخنرانی در مسجد نباشد.

ما؛ می‌دانیم در دوران پهلوی همین علم، معرفت و آموزه‌های دینی که توسط  
منبر و مسجد به مردم منتقل می‌شد، سبب پیروزی انقلاب اسلامی شد. لذا به  
امام جماعت مسجد پیشنهاد می‌دهیم هر شب جمعه از یک روحانی منبری و  
سخنران خوب انقلابی دعوت کند تا خط انقلاب تداوم داشته باشد.

ما؛ می‌گوییم اگر آن روز ساواک می‌خواست سخنرانی‌های علمی، سیاسی و  
مذهبی، کلاس‌های قرآن و حتی کتابخانه‌های مساجد را تحت کنترل خود  
قرار دهد و نتوانست، امروز باید مساجد به گونه‌ای باشند که استکبار بخواهد  
آنها را تحت کنترل در بیاورد و نتواند.

ما؛ به دنبال نزدیک کردن مردم به باورهای دینی هستیم. ما باور داریم صدور



انقلاب هم از مساجد و با انتقال باورهای دینی به مردم ممکن می‌شود. می‌دانیم اگر یک بچه دو ساله آمد و در مسجد نشست، هیچ کس حق ندارد او را از سر جایش بلند کند. می‌دانیم همه‌ی مسلمانان در مسجد حق مساوی دارند.

می‌دانیم وقتی مردم به مسجد می‌روند، باید زینت‌های خود را همراه خویش ببرند؛ چراکه قرآن صریحاً گفته است: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ». پس ما و دیگر مؤمنان باید با بهترین لباس و عطر در مسجد حاضر شویم.

می‌دانیم در مسجد نباید بعد از نماز بسته شود و این، آفت مسجد است. می‌دانیم برای اینکه اسراف نشود و یک مسجد بزرگ با کولرها یا بخاری‌ها و چراغ‌های روشن، برای نماز خواندن یک نفر باز نگه داشته نشود، می‌توانیم در حیاط مسجد، جایی را مخصوص نماز خواندن بعد از وقت جماعت قرار دهیم. در این صورت مسافر، رهگذر یا هر فرد دیگری که می‌خواهد نماز بخواند، در اصلی مسجد باز خواهد بود و او می‌تواند به عبادت بپردازد.

می‌دانیم غیر از صدای اذان نباید صدایی از مسجد پخش شود؛ چه به اسم مناجات، چه به اسم پیش‌خوانی یا سحر خوانی.

می‌دانیم هیچ مرجع تقلیدی اجازه نمی‌دهد که مردم را قبل از اذان صبح بیدار کرد و فقط زمان اذان و برای نماز می‌شود مردم را از خواب بیدار کرد.

می‌دانیم باید بین ما و نماز گزاران ارتباط عاطفی برقرار باشد. می‌دانیم حضرت رسول ﷺ نماز که می‌خواندند، بلند می‌شدند در صفوف نگاه می‌کردند و سراغ افراد غایب را می‌گرفتند. اگر می‌گفتند فلانی مریض است، حضرت می‌فرمودند: برویم عیادت کنیم. اگر می‌گفتند مسافرت است، حضرت در حقش دعا می‌کردند. می‌دانیم مسجد سالن حضور و غیاب امت اسلامی است.

می دانیم مردم باید ما را دوست داشته باشند. می دانیم دل جوان و سرزنده بودن ما، خوش صدا و خوش قیافه بودن ما، استاد قرآن بودن ما به گونه‌ای که بتوانیم به بچه‌های محله قرآن بیاموزیم و با تحصیلات بودن ما، همگی در محبوب شدنمان مؤثر است.

می دانیم برای جذب جوانان، هم باید جاذبه داشته باشیم و هم مانع فعالیت‌های گروهی ایشان در بسیج و کانون‌های فرهنگی دیگر نشویم. می دانیم تسهیل و دلنشین کردن این فعالیت‌ها دست ما را هم می‌بوسد.

ما؛ به دنبال نزدیک کردن مردم به باورهای دینی هستیم.

ما؛ باور داریم صدور انقلاب از مساجد و با انتقال باورهای دینی به مردم ممکن می‌شود. پس به هر آنچه می‌دانیم عمل می‌کنیم؛ چه موارد کوچکی را که بر شمردیم و چه موارد بسیار دیگری که ذکر نکردیم.

ما؛ باور داریم مسجد، مرکز تعلیم و تربیت است. من و شما کلام علی (علیه السلام) را پیش چشم خود گذاشته‌ایم که فرمود از برکات رفت و آمد به مسجد، دانش و نکته حکمت‌آمیز است، حرف تازه است. من و تو، آنچه را می‌دانیم انجام می‌دهیم و آنچه را نمی‌دانیم، می‌آموزیم. من و تو، معتقدیم با عمل به آنچه می‌دانیم و می‌آموزیم، می‌توانیم به سهم خود بستر آموختن در مسجد را برای دیگران آماده سازیم و در گسترش انقلاب نقش آفرین باشیم. من و تو؛ در جای صاحبخانه نشسته‌ایم. ما؛ خادمان مساجدیم!

« نویسنده: عباس میر محمدیان »

## « قطب‌نمای مسیر

شاخصه‌ها و ویژگی‌های اجتماعی

مسجد؛ پیوند مسجد و سیاست



حاج آقا! مسجد که جای این حرفا نیست! مسجد برای عبادت و خوندن نماز و قرآنه. چرا تو مسجد حرف سیاسی می‌زنی...؟!

آن چنان با عصبانیت و بلند بلند این حرف‌ها را گفت که حتی مردمی که در حال بیرون رفتن از مسجد بودند، برگشتند داخل تا ببینند چه خبر شده است. حرف‌هایش که تموم شد، حاج آقا مظفری بایک لبخند ظریفی گفت: «سلامتی حاج آقای کریمی صلوات بفرستید» و ادامه داد: «این برادر عزیزمان در واقع با بیان این حرف‌ها یک سؤال‌الی رو پرسیدن، که امروزه با این فضای مجازی و وسایل ارتباطی متنوعی که هست، ممکنه برای خیلی‌ها پیش بیاد. بله! این حرف درسته که مسجد برای عبادت و نماز و انجام مراسم‌های مذهبی ساخته شده، اما آیا مسجد فقط برای انجام این کارهاست؟ یعنی در مسجد غیر از این کارها، کار دیگری نباید انجام داد و حرف دیگری هم نباید زد؟

یکی از بهترین راه‌هایی که می‌تونه به ما برای رسیدن به جواب این سؤال‌ها کمک کنه، مطالعه تاریخ اسلام و چگونگی اداره مساجد در زمان معصومین (علیهم‌السلام) است. شما اگر یک مراجعه‌ای به کتاب‌های تاریخی داشته باشید، می‌بینید که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خیلی از کارهایی که مربوط به جامعه اسلامی و مسلمون‌ها بود رو در

مسجد انجام می‌دادند.

مثلاً اگر کسی قصد ازدواج داشت، یا کسی مشکل خانوادگی یا مالی داشت و یا هر نوع دیگری از مشکلات مردم رو در مسجد حل و فصل می‌کردند. حتماً شنیدید که پیامبر قبل از هر جنگی، شورای نظامی تشکیل می‌داد و با یارانش مشورت می‌کرد. خب محل این کار کجا بود؟ مسجد.

سخنرانی‌ها و خطبه‌ها و خیلی دیگر از کارها را ایشان در مسجد انجام می‌داد. در زمان سایر ائمه هم همین طور بود. جلسات درس و سخنرانی معصومین (علیهم‌السلام) در مسجد بود. البته تاجایی که حکومت‌های وقت اجازه می‌دادند و مانع نمی‌شدند. خب! این کارها غیر از نماز و قرآنه؛ ولی چون کار دینی و در جهت رضای خداست و البته باعث توهین به مسجد هم نمی‌شه، انجام دادنش هیچ اشکالی هم ندارد. اگر دقت کنید در همه این مثال‌هایی که من زدم، کارهایی که در مسجد زمان معصومین (علیهم‌السلام) انجام می‌شد، باعث هدایت مردم و جهت دادن به زندگی اونها بود. در واقع مسجد یک قطب‌نمایی بود که جهت درست حرکت مردم رو به اونها نشون می‌داد.

باور تون همیشه اگر بگم معنای سیاست همینه! سیاست یعنی ببینیم جامعه داره به کدوم طرف می‌ره؛ آیا به سمت هدف‌های جامعه اسلامی حرکت می‌کنیم یا داریم از اون هدف‌ها دور می‌شیم؟ حتماً شما هم این جمله معروف رو که از شهید مدرس (رحمه الله علیه) نقل شده، شنیدید که «دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ما». خب معنای این جمله چیه؟ معنایش اینه که یک انسان مسلمان، نمی‌تونه در عبادتش، سیاست رو دخالت نده؛ چرا که به سرنوشت خوارج دچار می‌شه و هم چنین نمی‌تونه در سیاستش عبادت و توجه به خدا رو در نظر نگیره؛ چون مثل خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس بر مردم حکومت می‌کنه.

سیاست به معنای توجه به هدف‌های اسلامی و حرکت به سمت اون‌ها، از عبادت جدا نیست. اینکه بنده گفتم حضور در راهپیمایی روز قدس، یاری رسوندن به یک عده مسلمون مظلومه و ما باید در اون شرکت کنیم و این حداقل کاریه که می‌تونیم انجام بدیم، کجاش ضد مسجده؟ بله! حرف سیاسی هست، ولی سیاستی که در جهت آگاه‌سازی برای حرکت درست جامعه است. اینکه اتفاقاً همون روش معصومین (علیهم‌السلام) است.»

حرف‌های حاج آقا مظفری که تمام شد، مردم خودجوش یک صلوات بلند فرستادند و کم‌کم از مسجد بیرون رفتند.

« نویسنده: علی دشتی





« مسجد، خانه انقلاب است

مسجد فقط جای نماز خواندن

است یا خانه خداست؟



شاید برای خیلی‌ها وقتی اسم مسجد می‌آید، تنها یک تصویر در ذهنشان داشته باشند و آن نماز خواندن مردم و گاهی هم سخنرانی است. اما بیشتر مردم، خاطره‌های فراوان دیگری هم از مسجد دارند. درست است که اولین و مهم‌ترین کاری که در مسجد انجام می‌دهیم، نماز است و مسجدی که نمازش تعطیل باشد، مسجد نیست، اما همان طور که همه‌مان قبول داریم و بارها به زبان آورده‌ایم، مسجد خانه خداست! و خانه خدا، خانه همه بنده‌های خداست؛ یعنی اگر مسلمانان را اعضای یک خانواده به حساب بیاوریم، خانه همه آنها که در زمان‌های مشخصی در آن جمع می‌شوند و یکدیگر را ملاقات می‌کنند، مسجد است. حالا اجازه بدهید به گذشته نگاهی بیندازیم.

### « مساجد همیشه خانه مردم بوده‌اند »

اگر به زمان پیامبر گرامی اسلام برگردیم، می‌بینیم که وقتی ایشان به مدینه هجرت فرمودند، قبل از هر چیز، مسجد را بنا کردند. اما این مسجد تنها برای نماز خواندن مردم نبود. مسلمانان برای هر کار مهمی که به همه مربوط می‌شد و جنبه‌ای اجتماعی داشت، به مسجد روی می‌آوردند؛ مثلاً برای قضاوت، کسب

اطلاع و تصمیم‌گیری در امور مهم اجتماعی. ابتدا حضور پیامبر و نقش ایشان در اداره جامعه بود که مسجد را تبدیل به یک پایگاه اجتماعی مهم می‌کرد، اما به تدریج این کار کرد و فایده اجتماعی، با هویت مسجد آمیخته شد. یعنی حتی در زمان و مکان‌هایی که پیامبر حضور نداشتند، مسجد همین کارایی را داشت و این در تمام تاریخ ادامه یافت. به گونه‌ای که مسلمانان، حتی مشکلات و دعوای خود را در مسجد و در تعامل با سایر نمازگزاران و امامان جماعت حل می‌کردند. درست مثل اعضای یک خانواده که مشکلاتشان را به صورتی دوستانه در میان خود حل می‌کنند. برای همین در زمان‌هایی که مسجد بیشتر چنین جایگاهی داشته است، دل‌ها به هم نزدیک‌تر بوده و اختلافات کمتری رخ داده است. اختلاف و دعوایی هم اگر وجود داشت، به سرعت قابل حل بود و دیگر نیاز چندانی به دادگاه‌های حکومت‌ها نبوده است.

همین اعتقاد و تعلق و اطمینان که از باورهای دینی مردم سرچشمه می‌گرفت، باعث می‌شد حرکت‌های سیاسی و اصلاحی و اعتراضی توده‌های مردم مؤمن در برابر ستمگران نیز از مساجد آغاز شود و رونق بگیرد. وقتی آسیبی به یکی از افراد می‌رسید و ظلمی به او می‌شد، همه خود را در برابر آن مسئول می‌دیدند و برای گرفتن حق او هم پیمان می‌شدند. خیلی از انقلاب‌ها و قیام‌های تاریخ اسلام نیز در مساجد شکل می‌گرفت و انسجام پیدامی‌کرد، از جمله انقلاب اسلامی ما. انقلاب اسلامی مردم ایران نیز به عنوان یک حرکت اجتماعی وسیع، کاملاً به مسجد وابسته بود؛ مردم آن را پایگاه و پناهگاه و مرکز فعالیت‌های اجتماعی خود می‌دانستند. در مسجد بود که ارزش‌ها انقلاب برای مردم بیان می‌شد و آنها را با انقلاب همراه می‌ساخت.

## « امروز مساجد چه نقشی دارند؟ »

تا وقتی که حکومت شکل غیردینی داشت و مردم دین دار به آن اعتماد نداشتند، مساجد محل مراجعه و فعالیت اجتماعی و فرهنگی برای حفظ ارزش‌های اجتماعی اسلام بودند، اما حالا چطور؟ آیا با شکل گرفتن نظام اسلامی و به وجود آمدن سازمان‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی، باز هم به مساجد به عنوان پایگاه مردمی نهضت اسلامی نیاز است؟ پس از آنکه شور و شوق مسجدی‌ها و فعالیت‌های آنها، مبارزه با طاغوت و نهضت مردم را پیش برد و به پیروزی رساند، دیگر نیازی به مساجد و نقش آنها برای دنبال کردن ارزش‌های انقلاب، مثلاً ظلم‌ستیزی، عدالت و حمایت از مستضعفان و اصلاح فرهنگ جامعه نیست؟ و آیا دست‌اندرکاران و متولیان امور مساجد هیچ نقش و مسئولیتی در این باره ندارند؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تا مدت‌ها همین رابطه به صورتی پررنگ وجود داشت و مردم احساس می‌کردند پایه‌هایی که در مساجد برای نهضت اسلامی بنا گذاشته بودند، حالا پایه‌های نظام اسلامی را شکل داده است و شرط باقی ماندن این نظام و جاری ماندن ارزش‌هایی که در انقلاب برایشان جنگیده بودند، نگه داشتن و تقویت کردن همین پایه‌هاست؛ پایه‌هایی که در مساجد و در میان اجتماع مؤمنان قرار دارد، نه هیچ جای دیگر!

شاید شما هم مثل من چیزی از روزهای اولیه انقلاب به یاد نداشته باشید، اما وقتی پای صحبت بزرگ‌ترها می‌نشینیم یا با تصاویر و فیلم‌ها و نوشته‌های مربوط به آن دوره، روبه‌رو می‌شویم، این حس و حال را می‌بینیم. در مبارزه با گروه‌های تروریستی و منافقین، برای تأمین آرامش مردم و برقراری امنیت - به خصوص در شهرهایی که جنگ جریان داشت -، مساجد مرکز شهر به حساب می‌آمدند. نه تنها کالاهای مورد نیاز و کمک‌های مردمی از مساجد به

نیازمندان می‌رسید بلکه اخبار محله‌ها و شهرها توسط مساجد منتشر می‌شد. اگر کسی از مسجد جدا می‌شد، انگار از جامعه و از موج پر خروش مردم جدا بود. مثل همان جایگاهی که مسجد در زمان پیامبر داشت.

با این حال، اگر مساجد را در شرایط امروز در نظر بگیرید، شاید جای خالی این فعالیت‌ها و نقش آفرینی‌های اجتماعی را ببینید. البته هنوز هم بسیاری از روشنگری‌های عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی در مساجد صورت می‌گیرد اما اینها در مقایسه با نقش مهمی که مساجد باید ایفا کنند و از عهده آن بر می‌آیند، چیزی نیست. مسجد باید مرکزی برای پیگیری ارزش‌های اجتماعی اسلام باشد. اگر ارزش‌های اجتماعی اهمیتی نداشت و تنها نماز و عبادت بود که اهمیت داشت، نماز جماعت تا این اندازه بر نماز فرادا برتری نداشت و به آن بهاداده نمی‌شد. برای پیگیری این ارزش‌های اجتماعی بود که به تدریج نهضت اسلامی شکل گرفت و برای ادامه دادن نهضت، باید به همان اندازه پیگیر ماند.

## « عدالت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های انقلاب اسلامی که نباید به هیچ بهانه‌ای کم‌رنگ شود، عدالت اجتماعی است؛ یعنی رفع تبعیض و برخورداری همه افراد جامعه، از حقوق اجتماعی برابر. هیچ‌کس بدون دلیل و بیشتر از آنچه واقعا مستحق است، از امکانات و ثروت عمومی برخوردار نباشد. هیچ‌کس به خاطر شرایط جغرافیایی یا قبیله‌ای، خانوادگی و... نه امتیازی به دست آورد و نه از آن محروم شود؛ همه چیز بر اساس حقوق انسانی به طور برابر در اختیار افراد قرار گیرد. انقلاب اسلامی بر اساس این آموزه اصیل اسلامی در دل مردم نفوذ کرد و آنها را برای برپایی حکومت عدل هماهنگ ساخت. مسجد در صورتی به نقش خود در انقلاب اسلامی ادامه داده است که همچنان محلی برای ترویج این آموزه باشد.

مسجدی که نماز گزاران و متولیان امور آن، دغدغه‌ای نسبت به وضعیت عدالت در جامعه نداشته باشند، هر چند شعار دفاع از انقلاب اسلامی بدهند، واقعا چقدر به انقلاب اسلامی ربط دارد؟

این وظیفه انقلابی همه دست‌اندر کاران مسجد است که هر کدام به سهم خود، شرایط را برای بروز این دغدغه و پرداختن به آن، فراهم کنند، نسبت به اتفاقات روز، به خصوص در مواردی که پای بیت‌المال در میان است و افرادی در حال سوءاستفاده از جایگاه و قدرت خود هستند، بدون ملاحظات سیاسی، فریاد عدالت‌طلبی را از تریبون مسجد به گوش جامعه و مسئولان برسانند.

## « استکبارستیزی

آموزه استکبارستیزی، چیزی نیست که انقلاب اسلامی آن را ساخته باشد؛ بلکه یک اصل مهم و محکم اسلامی است درست مثل عدالت اجتماعی. قرآن کریم بارها بر ضرورت ایستادگی در برابر دشمنان اسلام که با استکبار در برابر حق، قصد ضربه زدن به جامعه اسلامی را دارند، تأکید می‌کند و روش زندگی معصومان: نیز به این اصل پایبند بوده است. مساجد حتی اگر جایی فقط برای عبادت در نظر گرفته شوند، نمی‌توانند در برابر استکبار بی تفاوت باشند که اگر بی تفاوت و ساکت باشند، معنایی جز سازش با استکبار نخواهد داشت.

اما علاوه بر مصادیق بیرونی استکبار و مثلاً دولت‌های آمریکا، انگلیس و... استکبار برخی مصادیق دیگر هم دارد و انقلاب نسبت به این استکبار هم حساس و سخت‌گیر است. این استکبار همان روحیه‌ای است که خود را برتر از دیگران می‌داند و با خوی برتری‌طلبی، به تضعیف توده‌های مردم و محرومان روی می‌آورد. مسجد نمی‌تواند واقعا مسجد باشد در حالی که نسبت به این افراد و خوی استکباری آنها موضع منفی نداشته باشد. نماز گزاران انقلابی

نه تنها روحیه استکباری را از خود دور می‌کنند، بلکه به برتری مالی و مقامی افراد مستکبر بی‌اعتنایی می‌ورزند و با سلطه آنها می‌جنگند. به عنوان مثال، مسجدی‌ها باید با رفتار و گفتار خود، کسانی را تقویت کنند که طرفدار مردم محروم و همراه و هم‌رنگ آنها باشند. نشانه مسجد انقلابی، ستیز با استکبار است؛ چه استکبار جهانی و چه استکبار داخلی!

## « اصلاح فرهنگی

در بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، یکی از ارزش‌های پر تکرار، اصلاح فرهنگی است. اگر فرهنگ مردم یک جامعه درست نشود، نمی‌توان به موفقیت آن امید داشت. سال‌هاست که مقام معظم رهبری بر جنبه‌های مهم و بسیاری تأثیر گذاری از این فرهنگ، یعنی الگوی مصرف تأکید می‌کنند و مساجد باید همیشه و هر سال ندادنده این فرمان عمومی باشند. برنامه‌های فرهنگی مساجد نباید به جنبه‌های اعتقادی و احکام اسلامی محدود شود و باید اخلاق و سبک زندگی اسلامی را نیز شامل شود و مهم‌تر از آن، اینکه اداره کردن مسجد در همه بخش‌ها باید مطابق فرهنگ اسلامی باشد. روحیه پرهیز از اسراف که بزرگ‌ترین نقص فرهنگی مادر زمینه مصرف‌است، روحیه تلاش و کار با کیفیت، روحیه تعاون و کمک به دیگران و از خود گذشتگی، روحیه نظم و رعایت حقوق دیگران و ده‌ها مسأله فرهنگی دیگر، اگر به فرهنگ رایج تبدیل شوند، اصل انقلاب را حفظ خواهند کرد و مسیر حرکت آن را هموار خواهند ساخت.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ می‌فرمود: از ابر قدرت‌ها ترسی نیست، بلکه باید از خالی شدن مساجد ترسید. این کلامی است که باید همیشه به یاد داشته باشیم و از خود بپرسیم چرا خالی شدن مساجد از مردم تا این اندازه خطرناک است؟ و سؤال



مهم‌ترین است که: چه چیزی باعث می‌شود که مسجد از مردم خالی شود؟ آیا تنها دلیلش بی‌اعتنایی مردم به نماز و جماعت است؟ آیا دل‌سرد شدن مردم از فایده اجتماعی مسجد، به این اتفاق شوم کمک نمی‌کند؟ مردمی که در آغاز انقلاب با هم‌دلی و اشتیاق به مساجد روی آوردند، اگر اکنون مساجد را خالی از حقیقت انقلاب اسلامی و ارزش‌های واقعی آن ببینند، از آن روی گردان نمی‌شوند؟ آیا امروز مساجد در پیگیری عدالت اجتماعی، حمایت از مستضعفان و احقاق حقوق اجتماعی آنها، استکبارستیزی، اصلاح فرهنگی و... به اندازه کافی موفق عمل می‌کنند؟ بدون شک، پایبندی به اصل نظام اسلامی و خون شهیدان آن، لازم است اما این پایبندی را باید هم از مردم و هم از مدیران و مسئولان جامعه مطالبه کرد و چه پایگاه و تکیه‌گاهی برای این مطالبه، بهتر از خانه خدا و مردم (مسجد) می‌توان یافت!

« نویسنده: محمدحسین شیخ‌شعاعی



## « همراهی خدایی

نقش همسران خادمان در همکاری

و همیاری با خادمان مساجد



ای پیامبر خدا، من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن. جمله کوتاه، ولی عمیق و معنادار بود. خدیجه علیها السلام چنان متواضعانه و مهربانانه این جمله را در لحظات پایانی عمر خود بیان کرد، که انگار نه انگار یک روی سکه رشد و گسترش دین اسلام، سرمایه مالی فراوان و حمایت‌های معنوی او بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به این سخن خدیجه علیها السلام فرمودند: هرگز از تو تقصیری ندیدم. تو نهایت تلاش خود را به کار بردی. در خانه‌ام بسیار خسته شدی و اموالت را در راه خدا مصرف کردی.<sup>۱</sup>

خدیجه علیها السلام همسر مردی بود که در مسیر هدایت مردم گام برداشته بود. او در دورانی همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که رنج‌ها و مشقات فراوانی از طرف دشمنان دین خدا بر پیامبر روا داشته می‌شد. خدیجه علیها السلام ماصبورانه، با نهایت تلاش و با تمام دارایی خود، از ایشان حمایت می‌کرد.

دارایی او، هم مادی بود و هم معنوی؛ در جایی که نیاز بود پول و سرمایه تجاری خود را می‌بخشید و در جایی دیگر، از آبرو و اعتبار خود، برای حمایت از پیامبر

۱. شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۵.

خدا که شوهرش بود، هزینه می کرد.

حضرت خدیجه علیها السلام اسوه‌ای خوب برای زنان مسلمانی است که مردانشان، بی‌منت و با اخلاص برای پیشرفت و رشد دین خدا تلاش می‌کنند؛ مردانی، صبور و پر تلاش همانند خادمان مساجد.

برای هر کس‌ی این توفیق پیش نمی‌آید تا به خداوند خدمت کند. خادمان مساجد علاوه بر این توفیق، فیض بزرگ‌تری هم نصیبشان شده و آن خدمت به خانه و مهمانان خداست.

این عزیزان صبور و تلاشگر، روزانه سه بار و در بهترین اوقات روز، میزبان مهمانان پروردگار هستند. میزبانی از مهمان، هم شیرین است و هم زحمت دارد. تمیزی خانه خدا، مرتب کردن وسایل، رسیدگی به کارهای روزمره مسجد، پذیرایی از مهمانان و بسیاری از کارهای کوچک و بزرگی که طی روزه‌ها، ماه‌ها و سال باید برای بهبود کیفیت مسجد انجام شود، همه بر عهده خادمان مساجد است. در کنار همه این مسئولیت‌ها، رسیدگی به امور خانواده و فرزندان هم هست. تمام کارهایی را که یک مرد برای آرامش خانواده‌اش باید انجام دهد، مسئولیت سنگین دیگری است که بر عهده خادم است.

خادم، مسئولیت دو خانه را بر عهده دارد: یکی خانه خدا و دیگری خانه خودش. او نمی‌تواند و نباید در هیچ کدام از این مسئولیت‌ها کوتاهی کند. کسب رضایت خداوند و مهمانانش از یک سو، و تأمین رضایت همسر و فرزندان از سوی دیگر، تلاش و زحمت مضاعفی را از خادم می‌طلبد. اما گاهی تلاش تنها، نمی‌تواند در انجام مسئولیت‌ها به خادم کمک کند. بلکه یک پشتیبان و یاور مناسب لازم است که در این مسیر سخت و پر زحمت، همراه و همگام با خادم باشد.

همسران خادمان، یگانه یاوران آنها در انجام مسئولیت‌ها و به ثمر نشستن زحمات خادمان هستند. بانوانی که همانند حضرت خدیجه علیها السلام، همسرشان را

برای اقامه مهم‌ترین رکن دین خدا، یعنی نماز، یاری می‌رسانند. هر چند خادمان در طول مسیر پرفراز و نشیب خدمتشان، زحمات و رنج‌هایی را متحمل می‌شوند، اگر حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مادی و معنوی همسرانشان نباشد، شاید تلاش‌های آنها در بخشی از زندگی یا خدمت، به بار ننشیند. همسری که متواضعانه و بی‌منت کارهای خانه و فرزندان را انجام می‌دهد یا علاوه بر کارهای خانه، در رسیدگی به امور مسجد هم به شوهرش کمک می‌کند یا همسری که محیط خانه را برای استراحت همسرش آرام می‌کند و هنگامی که همسرش با خستگی وارد منزل می‌شود، با زبانی نرم و نیکو از او استقبال می‌کند؛ همه این همسران در مسیر آن بانوی نمونه و با عظمت، یعنی حضرت خدیجه علیها السلام گام برمی‌دارند.

خدمت به خداوند، خانه و مهمانانش، توفیق بزرگی است؛ اما همراهی و پشتیبانی از این خدمتگزاران هم، توفیق کمی نیست و البته نصیب هر کسی نمی‌شود. در میان همسران پیامبران الهی، مگر چند نفر مانند حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارند که به همسر خود در راه ترویج دین خدا کمک کرده‌اند؟

« نویسنده: علی دشتی »







